



Network for assisting Work and street children شبکه یاری کودکان کار و خیابان

خبرنامه شبکه یاری کودکان کار و خیابان

شماره ۱۸ / نیمه اول ۱۳۹۲ / بهار و تابستان



مراسم ۲۹ شهریور روز جهانی صلح

فرهنگسرای پایداری

شبکه یاری کودکان کار و خیابان

نیمه اول سال ۱۳۹۲

- ۳..... پیک بهار:
- ۴..... شعر:
- ۵..... مقاله: آشنایی با شبکه های بین المللی
- ۷..... مقاله: خلاصه پرسش و پاسخ در مورد مبانی مشارکت اجتماعی و شبکه سازی
- ۱۱..... نامه: مطالبات سازمان های غیردولتی عضو شبکه یاری کودکان کار و خیابان از دولت آقای دکتر روحانی
- ۱۳..... معرفی: انجمن یاری کودکان در معرض خطر
- ۱۵..... مقاله: دهمین سالگرد تاسیس گروه تلاشگران (شبکه یاری کودکان کار)
- ۱۸..... گزارش: فعالیت های گروه تلاشگران ۶ ماهه اول سال ۱۳۹۲
- ۲۲..... بیانیه: صلح با کودکان و برای کودکان
- ۲۴..... گزارش: ۲۹ شهریور روز جهانی صلح
- ۲۷..... مقاله: بخش اول خشونت علیه کودکان در خانواده
- ۴۴..... معرفی: روز های جهانی ۶ ماهه اول سال

مسئول خبرنامه: فاطمه قاسم زاده – انجمن پویا

همکاران این شماره: انجمن پویا – مؤسسه ره آورد مادرگیل – انجمن یاری کودکان در معرض خطر

صفحه آرای: ربابه کمایی، عاطفه امینی

باز پیک شادی آفرین بهار چونان سالهای پیش از راه می رسد، با کوله باری از گل و سبزه، ابرو نسیم، آب و آفتاب، رویش و نازگی و آواز آزاد پرندگان شاد و سبکبار بر شاخه های پر جوانه و شکوفه در ختان رنگارنگ.

این تکرار منظم و دیر پای سالانه، نه تنها ملال آور نیست، بلکه هر بار با زیبایی و طراوتش آرامش و لذتی هر چند گذرا در تن و جان ما ایجاد می کند و زندگی را برای ما شاد و دلپذیر می سازد.

پیک پرمهر بهار، به سرزمین ما خوش آمدی. بار دیگر با گرما و نوازش سردی و سختی زمستان را از یاد می بریم و آفتاب درخشانت به قلب ما نیرو می بخشد خجسته پیک بهار، خوش خبر باشی با آمدنت زندگی ما را نیز مانند طبیعت زیبا و دگرگون کن.

نوروز، روز نو، سال نو، زندگی نو

بر کودکان کار گرامی باد

فاطمه قاسم زاده

انجمن پویا



نیست تردید

زمستان گذرد

وزپی اش

پیک بهار

با هزاران گل سرخ

بی گمان می آید

شفیعی کدکنی

به گلبانگ عید، گل سرخ شادی دمید

خوشا چهره پر شکوه امید

بهاران خوش است

گل روی یاران خوش است

شکست غم روزگاران خوش است

نادر نادرپور

باز کن پنجره را

که بهاران آمد

که شکوفه گل سرخ

به گلستان آمد

حمید مصدق

روی هر تکه خاک

بنشانیم درختی که از آن

گل امید بر آید فردا

ای سرو که با این صبح، سری و سری داری

از سبز به سبز این سان در خود سفری داری

آیین سفر در خویش باید ز تو آموزند

کاین گونه به خویش از خویش دایم سفری داری

شفیعی کدکنی

این شاخه شکسته امروز

باغ پراز شکوفه فرداست

باور کنیم گردش ایام دیدنی است

تجربه شبکه بنگلادش به عنوان مطالعه مورد

شبکه ملی حقوق کودک بنگلادش از ۲۰۰ سازمان غیر دولتی که برای کودکان خیابانی کار می کنند ، در سال ۱۹۹۰ تاسیس شد. فعالیت اساسی این شبکه مورد حمایت از سازمان ها، ظرفیت سازی ،بالا بردن آگاهی اعضا و فراهم کردن اطلاعات و منابع لازم در مورد حقوق کودک است.

در سال ۱۹۹۶ شبکه گزارشی در مورد شرایط واقعی کودکان در بنگلادش و تفاوت آن با استانداردهای حقوق کودک در کنوانسیون، تهیه کرد و پیشنهاداتی برای ایجاد تغییرات در وضعیت کودکان ،ارائه داد.

توجه شبکه به شرایط بسیار سخت کودکان در خیابان ها ست و ادعا ندارد که صدای همه کودکان است اما درک خوبی از شرایط بسیار دشوار این کودکان که آسیب پذیرترین قشر جامعه هستند و درصد مهمی از جمعیت را تشکیل می دهند، دارد و تغییرات اقتصادی اجتماعی لازم را برای بهبود شرایط زندگی آن ها به خوبی می شناسد.انجام فعالیت های پژوهشی ،انتشار مجلات ،داشتن وب سایت از جمله اقدامات شبکه برای حمایت ،نظارت و آگاه سازی است.

خلاصه ای از مهم ترین فعالیت های نظارتی شبکه در مورد کودکان ، ارائه گردد:

- شناسایی و نظارت بر کار سازمان های دولتی مرتبط
- ایجاد گسترش بانک اطلاعات شامل مقالات ، روزنامه ها ، گزارشات و.....
- برگزاری جلسات و کارگاه های آموزشی
- برگزاری جلسات با مقامات مهم و کلیدی دولتی برای جمع آوری اطلاعات
- ایجاد پرونده های مطالعاتی و تشکیل گروه های نظارتی

موفقیت های شبکه :

- تصویب سند ملی برای کودکان
- بنیان گذاری مجمع ملی کودکان در سال ۱۹۹۹

- اصلاح قوانین نابرابر در مورد کودکان و نوجوانان دختر

- کاهش چشمگیر میزان مرگ و میر کودکان

- پیشرفت و بهبود آموزش پایه

پیشنهادهای شبکه:

- ایجاد یک سیستم نظارت و هماهنگ کننده

- اختصاص بودجه بیشتر به کودکان

- تسهیل و رشد مشارکت

- تلاش برای اطمینان از تطبیق قوانین داخلی با کنوانسیون حقوق کودک

- ثبت تولد همه کودکان

- مقابله با خشونت و آزار کودکان

- تلاش برای مبارزه همگانی با سوءتغذیه کودکان

- افزایش آگاهی نسبت به ناتوانی های جسمی کودکان و بهبود آن ها

- تلاش برای آموزش مربیان و بهبود محیط مدارس

- افزایش ثبت نام دانش آموزان و مبارزه با ترک تحصیل

- تلاش برای کاهش کار کودکان

- اطمینان از کافی بودن مراقبت از کودکان پناهنده

- ایجاد اصلاحات در دادرسی نوجوانان

- به کار گیری همکاری های دو جانبه و منطقه ای برای مبارزه با قاچاق کودکان

شبکه بنگلادش می تواند نمونه ای از یک شبکه موفق باشد و به عنوان الگویی برای کار سایر شبکه ها ، با توجه به نیازها و شرایط هر کشور ، مورد استفاده قرار گیرد.

دکتر جاوید (نماینده سازمان نجات کودک در تاجیکستان)

سرمایه اجتماعی چیست؟

سرمایه اجتماعی، حاصل پدیده های زیر است :

۱- اعتماد متقابل

۲- تعامل اجتماعی

۳- احساس هویت جمعی و گروهی

به این ترتیب، عناصر اصلی سرمایه اجتماعی، آگاهی، اعتماد و مشارکت است .

اعتماد به سه صورت خود را نشان می دهد:

۱- اعتماد بین افراد آشنا

۲- اعتماد بین افراد نا آشنا

۳- اعتماد مدنی یا اعتماد بین سازمانها و نهادهای مدنی

مشارکت اجتماعی چیست ؟

مشارکت اجتماعی یعنی شرکت فعال و داوطلبانه افراد در سازمانهای جامعه مدنی . بین اعتماد و مشارکت ، ارتباط دو سویه وجود

دارد یعنی اعتماد سبب مشارکت داوطلبانه افراد و شکل گیری گروه ها می شود و مشارکت و همکاری افراد، اعتماد بین آنان را تقویت می کند.

این ارتباط را می توان به صورت زیر نشان داد:

اعتماد مدنی افزایش مشارکت اجتماعی، تشکیل نهادهای مردمی، ایجاد شبکه های اجتماعی بین اعتماد و سرمایه اجتماعی، ارتباط دو سویه وجود دارد. هراندازه در یک گروه اجتماعی ، اعتماد بالاتری وجود داشته باشد، سرمایه اجتماعی بیشتری نیز وجود خواهد داشت.

شبکه چیست؟ (net work)

شبکه یعنی مجموعه ای که بر اساس اهداف مشترک ایجاد شده و کارآن سازماندهی ، رفع نیاز ها و توانمند سازی است.

شبکه سازمانهای غیردولتی، در بر گیرنده سازمانهایی است که از نظر اهداف و برنامه، زمینه های مشترک دارند. به این ترتیب، سازمانهای غیر دولتی، به دلایل زیر، تشکیل شبکه می دهند.

۱- دغدغه های مشترک (common kmat)

۲- تهدیدهای مشترک (threats)

۳- اهداف مشترک (Goals)

ساختارهای شبکه کدام ها هستند؟

شبکه دارای ساختارها یا الگوهایی است که مهم ترین آنها ارائه می گردد:

۱- ساختار تک محوری یا مرکزی

در این ساختار شبکه در مرکز و سازمان های عضو در اطراف آن هستند و ارتباطی با یکدیگر ندارند.

۲- ساختار هرمی

در این ساختار شبکه در راس قرار دارد و سازمانهای عضو زیر مجموعه آن هستند. زیر مجموعه ها ممکن است با یکدیگر در ارتباط باشند و یا ارتباط نداشته باشند.

۳- ساختار دایره ای

در این ساختار شبکه در مرکز و اعضاء در پیرامون آن هستند و ممکن است با یکدیگر ارتباط داشته باشند و یا در ارتباط با هم نباشند

۴- ساختار ارتباط متقابل

در این ساختار شبکه در مرکز قرار دارد. اما ارتباط دو جانبه با اعضاء وجود دارد و اعضاء نیز با یکدیگر ارتباط دارند. این ساختار، الگوی مناسبی برای شبکه سازی است.

کارکردهای شبکه کدام ها هستند؟

مهمترین کارکرد ها و فواید شبکه به شرح زیر است:

۱- مبادله و گردش آزاد اطلاعات (اطلاع رسانی)

۲- افزایش قدرت سازمانی

۳- تبادل افکار و تجربیات

۴- ایجاد هویت مشترک بین اعضای شبکه

۵- یکپارچگی مثبت و حفظ استقلال

۶- افزایش ظرفیت ها و توانمندی ها در سطوح فردی ، سازمانی و اجتماعی

۷- گسترش زمینه های آموزش و توانمندسازی

مشکلات شبکه ها کدام ها هستند؟

مشکلاتی که ممکن است شبکه ها ایجاد کنند، به شرح زیر است:

۱- سازمان های کوچک در شبکه دیده نشوند و صدای آنها شنیده نشود.

۲- توانایی های افراد در سازمانهای کوچک ، نمایان نشود.

۳- تنوع نظرها و روش ها به نفع سازمان بزرگ شبکه ، ازبین برود.

۴- سازمان ها برای جذب منابع مالی و موقعیت بهتر ، به رقابت بپردازند.

چالش های پایداری شبکه ها کدام ها هستند؟

عوامل زیر، پایداری و استمرار شبکه ها را کاهش می دهد :

۱- بی اعتمادی یا کم اعتمادی اعضای شبکه به یکدیگر

۲- کمبود شفافیت در قوانین و مشخص نبودن جایگاه قانونی سازمانها

۳- ناتوانی گروه ها در ایجاد فضای تفاهم ، ارتباط و همکاری

۴- حساسیت فراوان سازمانها در مورد استقلال هر سازمان

۵- کمبود اطلاعات و نگرانی از تبادل اطلاعات و تجربیات

۶- محوریت یک فرد یا یک سازمان در درون شبکه

۷- عدم اعتقاد جدی به ضرورت و اهمیت شبکه در بین اعضای آن

۸- نابرابری بین اعضای شبکه

اقدامات لازم برای موفقیت شبکه کدام ها هستند؟

برای این که شبکه ای موفق باشد، اقدامات زیر باید انجام گیرد:

- ۱- اهداف، وظایف، استراتژی ها و برنامه عمل شبکه ، مشخص و تعریف شود.
- ۲- ساختار شبکه ، غیر متمرکز باشد.
- ۳- مدیریت شبکه ، مشارکتی باشد.
- ۴- ارتباطات درون شبکه ای و برون شبکه ای ، تسهیل گردد.
- ۵- ارتباط های افقی جایگزین ارتباط های عمودی گردد.
- ۶- اجازه خلاقیت و بروز نوآوری در شبکه داده شود.
- ۷- مواضع اجتماعی ، فرهنگی و اقتصادی شبکه ، مشخص شود.
- ۸- محدودیت ها و فرصت های محلی ، شناسایی شود.
- ۹- مسئولیت ها و وظایف هر فرد و سازمان ، مشخص شود.
- ۱۰- افراد با تجربه و مثبت اندیش کمک گرفته شود.

دکتر ابوالفضل وطن پرست

من احساس می کنم،پس هستم دکارت فیلسوف(فرانسوی)

من فکر می کنم ،پس هستم کانت فیلسوف (آلمانی)

مطالبات سازمانهای غیر دولتی عضو شبکه یاری کودکان کار و خیابان

جناب آقای دکتر حسن روحانی

ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

با سلام و آرزوی موفقیت برای جنابعالی در تحقق خواست های مردمی شبکه یاری کودکان کار و خیابان به عنوان بخشی از جامعه مدنی و سرمایه اجتماعی کشور مهمترین مطالبات خود را اعلام می دارد.

این شبکه در سال ۱۳۸۲ با تلاش گروهی از سازمانهای غیر دولتی کودکان شکل گرفت و در حال حاضر ۱۵ سازمان غیر دولتی کودکان از اعضای فعال آن هستند.

مهمترین مطالعات شبکه در دو بخش ارائه می گردد:

بخش اول: مطالبات مرتبط به کودکان کار و خیابان

۱- تلاش برای حذف کار کودکان به عنوان هدف دراز مدت و پیگیری کاهش، جایگزینی و تغییر کار کودکان با اهداف کوتاه مدت به تاکید بر کودکان زیر ۱۵ سال.

۲- اجرای دقیق حذف کارهای زیان بار برای کودکان بر اساس مقاوله نامه سازمان جهانی کار که جمهوری اسلامی ایران آن را امضاء کرده است .

۳- برخورداری کودکان از حق آموزش اجباری و رایگان حداقل تا پایان دوره راهنمایی باستناد به ماده ۳۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و بخشنامه های مرتبط و مواد ۲۸ و ۲۹ پیمان نامه حقوق کودک که جمهوری اسلامی ایران آن را امضاء کرده است.

۴- برخورداری کودکان کار از بیمه درمانی و حوادث بر اساس قوانین داخلی و پیمان نامه حقوق کودک .

۵- برخورداری کودکان کار از امکانات بهداشتی از جمله واکسیناسیون اجباری.

۶- سواد آموزی کودکان کار و خانواده های آنها با اعزام معلم و کتابهای درسی رایگان و آموزش معلمان سازمانهای غیر دولتی در این زمینه از طرف آموزش و پرورش یا نهضت سواد آموزی .

۷- نظارت دقیق بر کار کودکان بالای ۱۵ سال از طرف سازمانهای مرتبط با همکاری سازمانهای غیر دولتی .

۸- نظارت دقیق بر اجرای مواد مربوط به قانون کار گران نوجوان (مواد ۷۹ تا ۸۴ قانون کار نوجوانان).

۹- تغییر ماده ۸۲ قانون کار نوجوانان که تفاوت کار روزا نه کارگر نوجوان نیم ساعت کمتر از کار معمولی کارگران است و افزایش آن تا ۲ ساعت .

۱۰- حمایت از خانواده های کودکان کار با اشتغالزایی برای آنان از طریق ایجاد تعاونی ها و کار آفرینی به منظور جایگزینی کار کودکان و یا حداقل کاهش ساعات کار آنان.

۱۱- تعهد، مسئولیت پذیری و پاسخگویی مسئولان دولتی و برنامه ریزی در سطح کلان برای کاهش فقر و محرومیت که از دلایل عمده کار کودکان است و ایجاد رفاه ، آرامش و آسایش برای افراد جامعه.

* توجه : حقوق اساسی مندرج در این مطالبات برای همه کودکانی است که در این سرزمین زندگی می کنند صرف نظر از نژاد ، ملیت ، مذهب، جنس و سایر ویژگی ها اعم از مهاجر و پناهنده ، بر اساس پیمان نامه حقوق کودک.

بخش دوم : مطالبات مربوط به سازمانهای غیر دولتی عضو شبکه یاری

۱- اعتماد سازی بین سازمانهای دولتی و غیر دولتی

۲- سازماندهی ارتباط مؤثر و مناسب بین سازمانهای دولتی و غیر دولتی مرتبط و جلوگیری از تداخل ، تعدد و ناهم آهنگی سازمانهای نظارتی .

۳- استفاده از امکانات موجود سازمانهای دولتی مرتبط از جمله شهرداری ، آموزش و پرورش ، وزارت بهداشت و توسط سازمانهای غیر دولتی .

۴- حذف نگاه امنیتی و سیاسی نسبت به عملکرد سازمانهای غیر دولتی و نگرش به آنها به عنوان بخش مهمی از جامعه مدنی و سرمایه اجتماعی کشور.

۵- تغییر و حذف مواضع و مقررات نادرست در راه ایجاد و گسترش سازمانهای غیر دولتی مانند دریافت مجوز، ثبت ، تمدید و... با توجه به نقش آنها در توسعه اجتماعی کشور.

۶- فراهم کردن امکانات قانونی برای ایجاد شبکه ها یا اتحادیه های سازمان های غیر دولتی همسو به منظور تبادل نظر و استفاده از تجربیات یکدیگر در جهت ارتقای فعالیت های خود.

با سپاس فراوان کمیته هم آهنگی شبکه یاری

کودکان کار و خیابان

به منظور آشنایی بیشتر با اهداف و برنامه های سازمان های عضو گروه تلاشگران (شبکه یاری کودکان کار و خیابان) در این شماره از نشریه با فعالیت های انجمن یاری کودکان در معرض خطر آشنا می شویم:

انجمن یاری کودکان در معرض خطر سازمانی است مردم نهاد و غیر دولتی که از سال ۱۳۸۳ فعالیتش را آغاز و در سال ۱۳۸۶ با مجوز وزارت کشور بطور رسمی و ملی در سطح جامعه با جلب و جذب حمایت های مردمی و داوطلبانه در جهت اهدافش تلاش میکند زیرا کودکانی هستند که همواره در معرض خطرهایی چون عدم دسترسی به آموزش های مناسب، خشونت، آزار، تبعیض، سوء تغذیه، عدم دسترسی به بهداشت و درمان قرار دارند. کودکان کار و خیابان، کودکان اعتیاد، کودکان ایدز، کودکان بیمار محروم، کودکان در زندان، کودکان نیازمند معاضدت های حقوقی از این جمله اند.



اهداف انجمن احقاق حقوق کودکان می باشد زیرا بر این باور است که همه آسیب های وارده بر کودکان و خطرانی که کودکان را تهدید می کند به دلیل بی توجهی و ضایع شدن حقوق آنان است. یکی از برنامه های انجمن تاسیس مرکز آموزشی حمایتی در مناطق حاشیه شهرهای بزرگ است که کودکان محروم از تحصیل، کودکان کار و خیابان و محروم از حمایت های آموزشی و بهداشت و سلامت را در بر می گیرد و در یافتن راه های خلاق و برنامه های موثر در جهت ارتقاء سطح سواد و مهارت های فردی و اجتماعی کودکان برنامه ریزی و تلاش می کند. یکی از این مراکز در حاشیه شهرستان شهریار در صبا شهر واقع است.

همچنین انجمن در مداخله و کمک به هنگام حوادث طبیعی وارد عمل شده و برای گذر از بحران وارده بر کودکان و زنان برنامه های حمایتی روانی به اجرا میگذارد. در زلزله بم و آذربایجان انجمن نقش بسزایی در این خصوص به عهده داشت و در طراحی و اجرای برنامه های موثر و موفق در بحران تلاش فراوانی نمود. احداث مرکز فرهنگی آموزشی چند منظوره در جهت توانمند سازی زنان و کودکان در یکی از روستاهای زلزله زده آذربایجان به منظور رشد اجتماعی و اقتصادی شان الگویی مناسب در استفاده درست از کمکهای مردمی و برنامه ریزی در جهت توسعه پایدار در زمان بحران خواهد بود.

باور انجمن بر این اصل استوار است که در اجرای هر طرح و پروژه ای می بایست بومیان محله و منطقه را درگیر کار کرد تا به عنوان ذینفعان واقعی در برطرف کردن مشکلات و آسیبهایشان تلاش کنند و با آموزشهای علمی و کاربردی از طرف انجمن گام به گام اجرای طرح را به عهده بگیرند و ادامه دهند.



قطره دریاست اگر با دریاست ورنه او قطره و دریا، دریاست

ده سال پیش، در شهریور ۱۳۸۲ «کارگاه همفکری برای کودکان کار و خیابان» با همکاری یونیسف و سازمانهای دولتی و غیر دولتی مرتبط برگزار شد. در پایان کارگاه، پیشنهاد ایجاد شبکه ای از سازمانهای دولتی و غیردولتی برای کمک به کودکان کار و خیابان از طرف شرکت کنندگان مطرح گردید. تعدادی از سازمانهای دولتی (سازمان بهزیستی، وزارت کار، وزارت آموزش و پرورش) و سازمانهای غیر دولتی (انجمن پژوهش های آموزشی پویا، انجمن همیاران غذا، انجمن حامیان کودکان کار و خیابان، انجمن حمایت از حقوق کودکان و انجمن حمایت از کودکان کار) با پذیرش این ضرورت و طی برگزاری جلسات متعددا ایجاد شبکه ای از سازمانهای همسو را پیگیری کردند و شبکه یاری کودکان کار و خیابان شکل گرفت.

پس از تشکیل شبکه، بر اساس تفاهم نامه ای اهداف شبکه به شرح زیر مشخص شد:

هدف اصلی و استراتژیک (بلند مدت):

محو کامل کار کودکان

اهداف میان مدت و کوتاه مدت :

- انجام حمایت های قانونی، آموزشی، اجتماعی، عاطفی، روانی و بهداشتی از کودکان کار و خیابان
- کمک به ساماندهی درست کودکان کار و خیابان
- تلاش در راه کاهش کار کودکان

براساس آیین نامه اجرایی موقت، ساختار شبکه و شرایط عضویت به شرح زیر مشخص شد:

- کمیته هم آهنگی شبکه یاری کودکان کار و خیابان
- اعضای این کمیته ابتدا موسسان سازمانهای غیردولتی شبکه بودند که بعدا به علت برخی تغییرات در سازمانهای غیردولتی، مسئولان سازمانهای غیر دولتی دیگری به آن پیوستند.
- کمیته آموزشی

- کمیته پژوهشی

- کمیته حقوقی

- کمیته اطلاع رسانی (دبیرخانه)

- کمیته اجرایی و مالی

چگونگی تشکیل کمیته ها، اهداف و وظایف آنها و شرایط عضویت در شبکه در آیین نامه اجرایی موقت آورده شده است.

تفاهم نامه و آیین نامه موقت بعداً به اساسنامه تبدیل شد.

شبکه یاری یک سال پس از تأسیس از وزارت کشور در خواست مجوز کرد. در سال ۸۴ با در خواست شبکه برای دریافت مجوز موافقت شد اما مجوز صادر نشد طی ۷ سال پس از آن با در خواست های مکرر شبکه برای مجوز موافقت نشد، شبکه همچنان به فعالیت خود ادامه می داد. در سال ۹۱ از بهزیستی در خواست مجوز شد و پس از حدود یکسال در سال ۹۲ مجوزی نه به نام شبکه و اساسنامه آن بلکه به نام گروه تلاشگران یاری همدل صادر شد. امید است که این مجوز تبدیل به مجوز به نام شبکه شود.

در حال حاضر ۱۵ سازمان غیر دولتی با شبکه همکاری دارند:

- | | |
|------------------------------------|--|
| ۱- انجمن پژوهشهای آموزشی پویا | ۹- کانون فرهنگی - حمایتی کودکان کار کوشا |
| ۲- انجمن حامیان کودکان کارو خیابان | ۱۰- گروه فرهنگی - اجتماعی کیانا |
| ۳- انجمن حمایت از حقوق کودکان | ۱۱- موسسه ارتقای ایرانیان (ایلیا) |
| ۴- انجمن حمایت از کودکان کار | ۱۲- موسسه تاک سرزمین من |
| ۵- انجمن دوستداران کودک پوشش | ۱۳- موسسه توسعه فرهنگی - اجتماعی ره آورد مادرگیل |
| ۶- انجمن یاری کودکان در معرض خطر | ۱۴- موسسه حمایتی خانه مهر کودکان |
| ۷- جمعیت امام علی (ع) | ۱۵- موسسه رویش نهال جوان |
| ۸- جمعیت دفاع از کودکان کار | |

سازمانهای عضو شبکه در اجرای برنامه های خود کاملاً مستقل اند و هر سال در انجام برخی برنامه ها از جمله روزها و مراسم خاص با یکدیگر مشارکت دارند.

شبکه یاری طی ده سال گذشته فعالیت هایی با همکاری اعضای خود انجام داده است که در ویژه نامه ای به مناسبت دهمین سالگرد تا سیس شبکه آورده می شود.

شبکه یاری در مدت ده سال فعالیت خود از فراز و نشیب هایی گذشته و دست آوردهای ارزشمندی داشته است اما دارای مشکلاتی نیز بوده است که نیاز به بررسی و تحلیل آنها با همکاری اعضای خود دارد.

اصولا کار گروهی در جامعه ما آن هم در چهارچوبی فراتر از یک سازمان و در قالب شبکه، کاری دشوار و طولانی است. به گفته روان شاد دکتر سعید شاملو، استاد روان شناسی، «کار گروهی در جامعه ما، مانند سوپ خوردن با چنگال است که فقط چند قطره به دست می آید اما آن هم بسیار غنیمت است» زیرا «قطره قطره جمع گردد، وانگهی دریا شود»

اگر بخواهیم برای یاری کودکان کار قدمهای اساسی بر داریم ضروری است در چهارچوب سازمانهای وسیع تر یا شبکه با هم پیوند داشته باشیم تا توانمندتر باشیم. به گفته شاعر :

قطره ای، قطره به دریا، چو به ساحل هایی

چون به دریا برسی، قطره نه ای، دریایی

ده سال را با این امید سپری کردیم که روزی ما قطره ها به دریا برسیم و دریا شویم. آن روز، روز رهایی کودکان محروم ما از مشکلاتی است که اینک با آن روبه رو هستند، به امید آن روز

فاطمه قاسم زاده

انجمن پویا

من اعتراض می کنم، پس هستم کامو نویسنده (فرانسوی)

خلاصه ی گزارش سه ماهه فعالیت های گروه تلاشگران یاری همدل (شبکه یاری کودکان کار) تابستان ۱۳۹۲

گزارش فعالیت های سه ماهه تابستان ۱۳۹۲ به تفکیک هر ماه به اختصار ارائه می گردد.

(این گزارش شامل فعالیت های هیئت مدیره گروه تلاشگران است و فعالیت های سازمان های عضو را در بر نمی گیرد.)

الف- فعالیت های تیر ماه:

۱- برگزاری جلسات

در هر ماه، گروه تلاشگران دو نوع جلسه برگزار می کند:

الف - جلسات هیئت مدیره به منظور برنامه ریزی برای فعالیت های گروه هر دو هفته یک بار و یا بر حسب ضرورت.

بر این اساس در تیر ماه دو جلسه هیئت مدیره برگزار شد.

ب - جلسات عمومی با شرکت سازمان های عضوگروه تلاشگران در اولین چهارشنبه هر ماه.

۲- شرکت در جلسات

در هر ماه ، بر حسب موردو دعوت سازمان های مرتبط ، گروه تلاشگران در جلسات مختلف شرکت می کند:

- شرکت در جلسه دفتر آسیب های اجتماعی بهزیستی به منظور بررسی طرح سازمان دهی کودکان کار برای اجرای آزمایشی در تهران.

- شرکت در جلسه تشخیص مصلحت که به منظور بررسی وضعیت سازمان های غیر دولتی و مشکلات آنان برگزار شده بود.

- شرکت در جلسات مرجع ملی کنوانسیون حقوق کودک

نمایندگان سازمان های غیر دولتی منتخب در مرجع ملی کنوانسیون حقوق کودک از سه انجمن هستند که دو عضو آن، عضو هیئت مدیره گروه تلاشگران هستند:

- خانم دکتر فاطمه قاسم زاده از انجمن پژوهش های آموزشی پویا

- آقای خسرو صالحی از موسسه تاک سرزمین من

- خانم منیر همایونی از کانون توسعه کودکان و نوجوانان

این دو نماینده هر ماه در سه جلسه مرجع ملی شرکت می کنند:

- جلسه شورای هم آهنگی مرجع ملی

- جلسه کار گروه حمایتی ، فرهنگی مرجع ملی

- جلسه کار گروه آموزش مرجع ملی

۳- ارتباطات

ارتباط با سازمان های دولتی و غیر دولتی با هدف کاهش و حل مشکلات سازمان های عضو انجام می گیرد.

در تیر ماه ارتباطات زیر برقرار شده است:

- ارتباط با کارشناسان دفتر آسیب های اجتماعی استان تهران و شهر تهران به منظور ادامه پیگیری فعالیت های اجرایی مرتبط با دریافت مجوز از سازمان بهزیستی.

- ارتباط با سازمان نهضت سواد آموزی

به منظور کمک از سازمان نهضت سواد آموزی ، برای کودکان کار و خانواده های آنان در مراکز حمایتی سازمان های عضو

گروه تلاشگران با آقای دکتر مهدی زاده مسئول سواد آموزی تماس گرفته شد و در جلسه ای مشکلات سواد آموزی این مراکز

به ویژه از نظر معلمان کار آموزه و نیز مسئله کودکان پناهنده مطرح گردید. متأسفانه در مورد کودکان پناهنده ، طبق دستور

سازمان های مرتبط با امور پناهندگان ، نهضت سواد آموزی ، کمکی انجام نمی دهد اما در مورد کودکان ایرانی می توان از کمک

هایی در این زمینه از جمله کتاب، استفاده کرد.

- ارتباط با معاونت فرهنگی اجتماعی شهرداری منطقه ۳

به منظور استفاده از امکانات مرکز خدمات اجتماعی منطقه ۳ شهرداری تهران برای برگزاری مراسم مشترک با سازمان های عضو گروه تلاشگران از جمله مناسبت های مرتبط با کودکان کار جلسات متعددی با کارشناسان این منطقه برگزار گردید و امکاناتی برای برگزاری جلسات گروه تلاشگران و سازمان های عضو در اختیار گروه قرار گرفت. جا دارد از حمایت های مسئولان و کارشناسان این معاونت سپاسگزاری شود.

ب - فعالیت های مرداد ماه:

۱- برگزاری جلسات

- برگزاری جلسات هیئت مدیره گروه تلاشگران در سالن همایش مرکز خدمات اجتماعی منطقه ۳

- جلسه ی عمومی سازمان های عضو گروه تلاشگران در مرداد ماه برگزار نشد.

۲- شرکت در جلسات

- شرکت در جلسات مرجع ملی کنوانسیون حقوق کودک

- شرکت در جلسه سازمان ملل متحد، دفتر کمک های بشر دوستانه با موضوع نقش سازمان های غیر دولتی در این زمینه.

- شرکت در جلسه تشخیص مصلحت در ارتباط با مشکلات سازمان های غیر دولتی.

۳- بازدید از مرکز انجمن دوستداران کودک پویش (جمعیت جوانان هزاره سوم) یکی از اعضای گروه تلاشگران، به منظور آشنایی با برنامه های آموزشی این مرکز.

۴- مصاحبه با نشریه گزارش در مورد نقش اوقات فراغت در سلامت جسمی، روانی کودکان و نوجوانان

پ - فعالیت های شهریور ماه

۱- برگزاری جلسات در سالن همایش مرکز خدمات اجتماعی منطقه ۳

- شرکت در جلسات مرجع ملی کنوانسیون حقوق کودک

- شرکت در جلسات متعدد برای برنامه ریزی مشترک روز جهانی کودک

- شرکت در برنامه برگزاری سالگرد زلزله آذربایجان در فرهنگسرای شفق

- شرکت در جلسات متعدد برنامه ریزی برای روز جهانی صلح به صورت مشترک

۳- مشارکت فعال در برنامه روز جهانی صلح که با همکاری شورای گسترش صلح در فرهنگسرای ارسباران برگزار گردید.

۴- اجرای برنامه روز جهانی صلح در فرهنگسرای پایداری برای کودکان کار با مشارکت سازمان های عضو گروه تلاشگران و همکاری معاونت اجتماعی فرهنگی منطقه ۳ گزارش این فعالیت جداگانه ارائه می گردد.

شهین حسینی (مسئول روابط عمومی گروه تلاشگران)

کودک باید در برابر کاری که به رشد و سلامت او آسیب می رساند حمایت شود .

"ماده ۳۲ پیمان نامه حقوق کودک"

صلح مفهومی گسترده است که از نبود جنگ آغاز می شود و تا آرامش دلپذیر فردی و اجتماعی ادامه می یابد. در این سیر تحولی صلح، توجه به کودکان و ایجاد زندگی صلح آمیز به مفهوم گسترده ی آن، برای آنان و با آنان به دو دلیل اساسی، اهمیت فراوانی دارد:

- ۱- کودکان ارزشمندترین سرمایه های انسانی هر کشورند و در ساختن جامعه ی آینده که به آنان تعلق دارد، نقش اساسی دارند.
 - ۲- کودکان در دوران کودکی به دلیل شرایط سنی و نداشتن دسترسی به منابع زندگی، با همه ی توانایی هایی که دارند از دستیابی به بسیاری از حقوق و نیازهای خود، از جمله زندگی با صلح، محرومند و وظیفه ی ماست که در این زمینه با مشارکت آنان زندگی شایسته ای برایشان فراهم سازیم تا بتوانند وظیفه ی مهم خود را در آینده انجام دهند.
- مفهوم گسترده صلح با کودکان و برای کودکان، از دیدگاه سازمان های غیر دولتی کودکان کار یعنی :
- حذف کار کودکان که مانع اصلی دستیابی کودکان به آموزش، آرامش و برخورداری از زندگی شایسته است .
 - توجه به نیاز های اساسی کودکان، تلاش برای پاسخگویی مناسب و به موقع به آنها.
 - اجرای آموزش با کیفیت برای کودکان که رشد همه جانبه و یکپارچه ی آنان را تامین می کند و توانمندی هایشان را شکوفا می سازد.
 - احترام به همه ی کودکان با همه ی تفاوت هایی که از جنبه های مختلف با هم دارند، که تفاوت امری طبیعی و سازنده است.
 - برخورداری همه ی کودکان از حق آموزش صرفه نظر از ملیت، نژاد، جنس، دین، وضعیت اقتصادی - اجتماعی و هر ملاکی که جز انسان بودن، صوری و ظاهری است.
 - بهره مندی همه ی کودکان از بهداشت و درمان بدون هیچگونه تبعیض.
 - منع هرگونه خشونت و آزار با کودکان از طرف همه ی کسانی که با آنان در ارتباطند از جمله والدین، معلمان، سرپرستان، کارفرمایان و همه ی سازمان هایی که موجب خشونت های ساختاری می شوند؛ از جمله مدرسه، خانواده، رسانه و

- حذف رقابت از زندگی و به ویژه محیط های آموزشی کودکان که اضطراب و خصومت را افزایش می دهد و مشارکت و دوستی را از بین می برد .
- منع هرگونه زورگویی و خشونت در روابط بین فردی، خانوادگی و اجتماعی و تقویت همدلی و همکاری بین انسان ها.
- منع هرگونه تبعیض بین کودکان که تبعیض خود خشونت و تهدید کننده ی صلح و دوستی است .
- آموزش صلح بین کودکان به عنوان یک ضرورت و نیاز، زیرا که صلح آموختنی است و هر نوع آموزشی برای تاثیر گذاری از کودکی آغاز می شود.
- صلح زمینه ساز آگاهی و آزادی کودکان است که رهایی آنان را از بند دیرپای فقر و بی خبری امکان پذیر می سازد.
- ایجاد آرامش، شادی، دوستی در سالهای پر شوق و شور کودکی که زیباترین و مهمترین سال های زندگی است.
- تلاش برای فقر زدایی و برقراری عدالت اجتماعی و کاهش نابرابری های اجتماعی با هدف ایجاد زندگی شایسته برای همه کودکان.
- صلح با خود، آغاز صلح با دیگران است. صلح را از خود شروع کنیم و با مشارکت کودکان که بهترین حافظان صلح اند، آنان را در زندگی خود و دیگران گسترش دهیم.
- صلح معنای زندگی و خشونت مفهوم مرگ است. باتلاش خود، کودکان و زندگی را از بند مرگ رها سازیم.



گزارش فعالیت گروه تلاشگران یاری کودک ((شبکه یاری کودک)) در روز صلح

با توجه به اهمیت صلح در دنیای امروزی که لازمه ی ایجاد فضای آرامش برای پیشرفت فردی و اجتماعی هر جامعه ای می باشد، گروه تلاشگران یاری همدل تصمیم به برگزاری مراسمی با عنوان "صلح، مهرورزی با کودکان" درآستانه ی روز جهانی صلح گرفت که این امر با همکاری انجمن های عضو و مشارکت معاونت اجتماعی، فرهنگی منطقه ۳ امکان پذیر شد.

این مراسم در ساعت ۳ بعد از ظهر جمعه ۲۹ شهریوردر بوستان پایداری با شرکت ۴۰۰ کودک از جمله کودکان کار و خیابان تحت پوشش مراکز، مربیان و مسئولان انجمن های مرتبط، داوطلبین و سایر افراد فعال در حوزه کودکان در فضای روباز آمفی تئاتر برگزار گردید و تا ساعت ۶ بعد از ظهر ادامه داشت.

پوستری که به مناسبت این روز خاص با عنوان "صلح، مهرورزی با کودکان" طراحی شده بود، توسط شهرداری چا پ، و بنری از این طرح روی سن تئاتر، نصب شد که جلوه ی خاصی به آن میبخشید.

برنامه های اجرا شده در این مراسم:

- اجرای چند برنامه تئاتر توسط انجمن های دوستداران کودک پویش (جمعیت جوانان هزاره سوم)، حمایت از کودکان در معرض خطر و حامیان کودکان کار و خیابان.
- اجرای سرود دسته جمعی توسط انجمن های کوشا و رویش نهال جوان.
- اجرای بازی های جمعی با کودکان توسط خانم حبیب نژاد مجری مراسم و مربیان موسسه مادران امروز.
- بر پایی میز مشاوره با خانواده ها به وسیله ی انجمن پژوهشهای آموزشی پویا و موسسه مادران امروز.
- برگزاری نمایشگاهی از نقاشی های کودکان در ارتباط با صلح
- ایجاد میز برای ارائه فعالیت های موسسات و انجمن های عضو و انجام سرگرمی های متنوع مانند نقاشی
- روی پارچه و کاغذ.

اعضای گروه تلاشگران یاری مراتب تشکر خود را از جناب آقای مهندس موسوی و جناب آقای مهندس قلمی و همچنین تشکر ویژه از جناب آقای دکتر راکی و دیگر دست اندرکاران معاونت محترم اجتماعی، فرهنگی منطقه ۳ که موجبات تهیه و تامین ایاب و ذهاب مراسم، پذیرایی و دیگر امکانات را عهده دار بودند، ابراز می دارد.

شهین حسینی (مسئول روابط عمومی گروه تلاشگران)





با توجه به آسیب های خشونت برای کودکان مطالب مربوط به خشونت که توسط دفتر یونیسف در ایران از منابع مختلف تهیه شده است، در دو بخش ارائه می گردد. بخش اول با تاکید بر خشونت در خانواده، در این شماره و بخش دوم در ارتباط با خشونت کودکان در بیرون از خانواده در شماره بعدی خبر نامه آورده می شود.

با سپاس از کارشناسان دفتر یونیسف و به امید دنیای بدون خشونت برای همه کودکان .

گروه تلاشگران

تعریف خشونت و تعریف کودک - خشونتی که علیه کودکان یا توسط کودکان اعمال می شود - در اکثر قریب به اتفاق کشورهای جهان ، موجب نگرانی های روز افزون شده است . گستردگی گزارش های رسانه های گروهی در این زمینه که غالبا موارد خاص و وحشتناکی از خشونت حاکم بر کودکان را نشان می دهد، هر چند که الزاما چندان دقیق و صحیح نیستند ، شیوع گسترده این معضل را آشکارا می کند. در صحنه های گوناگون برخوردهای مسلحانه در سراسر جهان که در آنها شهروندان غیر نظامی روز به روز بیشتر مورد هدف سلاح های مهلک و جدید قرار می گیرند، کودکان ، به ویژه ، در معرض خطر قرار دارند.

پیمان نامه سال ۱۹۸۹ سازمان ملل متحد در زمینه حقوق کودک (پیمان نامه حقوق کودک)، همچون سایر سیاست های مربوط به کودکان ، در شتاب گرفتن اصلاحاتی که کودکان را در برابر همه شکل های خشونت محافظت می کند، امیدهایی به وجود آورده است ، زیرا تقریبا همه کودکان جهان در کشورهایی زندگی می کنند که به این پیمان نامه پیوسته اند. این پیمان نامه از حق سلامت جسم و شخصیت کودکان حمایت می کند و خواستار الزام و تعهد دولت ها نسبت به محافظت از کودکان است در برابر (همه شکل های خشونت جسمی و ذهنی)، بهره کشی جنسی و سایر شکل های سوءاستفاده از کودکان و دزدیدن آنها ، تأثیرات ناشی از برخوردهای مسلحانه ، بدرفتاری و تنبیهات غیر انسانی و اهانت آمیز . این پیمان نامه ، همچنین، برای پیشگیری و کاهش خشونت ، شکل دادن به واکنش های سازنده و اصلاح رفتارهای خشونت آمیز کودکان ، نظامی از اصول و معیارها فراهم می آورد.

تعریف خشونت و تعریف کودک

از نظر گزیده، خشونت نوعی رفتار عمدی مردم با مردم که احتمال آسیب جسمی یا روانی به همراه داشته باشد تعریف می شود که با وام گیری از تعریف مورد استفاده در چندین کمیسیون ملی برای بررسی و پیشگیری از خشونت ، تدوین شده است . این تعریف می تواند فراگیرتر و گسترده تر باشد تا شکل های خشونت جمعی - تأثیرات فقر ، بهره کشی از کودکان ، فقدان مراقبت های بهداشتی و آموزشی کافی ، و قصور غیر عمدی دولت ، والدین و دیگران - را هم در بر می گیرد . اما در اینجا تأکید بر خشونتی بین افراد است که علیه کودکان یا توسط کودکان انجام شده باشد. این تعریف آزار جنسی و بهره کشی را نیز در بر می گیرد زیرا با وجود اینکه لازمه آنها خشونت یا زور گویی نیست (چنانکه در تعاریف بسیاری از کشورها گنجانده شده است) اما طبق اکثریت قریب به اتفاق شواهد، سوءاستفاده و بهره کشی منجر به آسیب می شوند. درگیری کودکان در منازعات مسلحانه و تأثیرات آن بر کودکان هم با شکل هایی از خشونت که در این گزیده مدنظرند ، روابطی تنگاتنگ دارد.

کانون توجه ما تنها اصطلاح بسیار رایج ((کودک آزاری)) نیست. زیرا کاربرد این اصطلاح ، هم در سیاست ها و هم در عمل، در کشورها و فرهنگ های مختلف بسیار متفاوت است و بسیاری از شکل های بروز خشونت که به کودکان آسیب می رسانند، در محدوده تعاریف متداول کودک آزاری نمی گنجند. از سوی دیگر پیمان نامه حقوق کودک که اکنون مورد پذیرش تقریبا همه جهان است ، بر حق کودکان مبنی بر سلامت و یکپارچگی جسمی تأکید دارد تا کودکان از ((همه شکل های خشونت جسمی یا ذهنی)) محفوظ بمانند. در این گزیده ، همچون پیمان نامه ، تعریف کودک همگان را از بدو تولد تا هیجدهمین سالروز تولد شامل می شود.

در مورد بسیاری از گونه های خشونت علیه کودکان، افزایش حساسیت ها موجب شده است که این موارد با وضوح و شفافیت بیشتری قابل مشاهده شوند و امید است که این امر مقدمه ای باشد برای پیشگیری مؤثر از بروز آنها. پژوهش هایی که در کشورهای مختلف انجام شده اند نشان می دهد که، دست کم در بیرون از مناطق جنگی فعال، کودکان بیش از همه در خانه خود و از سوی بزرگسالانی که به آنها نزدیکترند در معرض خشونت، از جمله خشونت جنسی، قرار می گیرند. اما به طور کلی کوشش هایی که برای مستند کردن گستره فراگیر خشونت علیه کودکان به عمل می آیند هنوز در مراحل ابتدایی و مقدماتی است که نشانه موقعیت نازل کودکان در اجتماع و اولویت سیاسی اندکی است که به آنها داده می شود - البته ممکن است احساس گناه و ناراحتی وجدان فردی و جمعی بزرگسالانی که مرتکب خشونت علیه کودکان می شوند، در این مورد تاثیر بیشتری داشته باشد.

شیوع خشونت جسمی و ذهنی عمدی توسط والدین و سایر مراقبین علیه کودکان، تنها در چند دهه اخیر مورد توجه و شناسایی گسترده قرار گرفته است و ((کشف)) سوءاستفاده های جنسی فراوان از کودکان در خانواده ها و مؤسسات، و همچنین سوءاستفاده های جنسی سازمان یافته (از جمله روسپیگری کودکان، ((گردشگری (توریسم) جنسی))، تهیه صور قبیحه از کودکان و شکل های دیگر بهره کشی جنسی از کودکان) از آن هم جدید تر است. با شفاف تر شدن خشونت هایی که علیه کودکان اعمال می شود، در می یابیم که کودکان بسیار بیش از بزرگسالان در معرض این خطرند که قربانی خشونت شوند:

دوران کودکی در طول تاریخ چون کابوسی است که ما به تازگی بیداری از آن را آغاز کرده ایم. هرچه بیشتر به گذشته ها بازگردیم (می بینیم که) میزان مراقبت از کودکان کاهش می یابد و خطر مرگ، رها شدن، کتک خوردن، وحشت و سوءاستفاده های جنسی برای کودکان افزایش می یابد.... این الگو از آن جهت پیش از این مورد توجه مورخین قرار نگرفته است که از دیر باز، تاریخ نگاری ثبت رویدادهای عمومی محسوب می شده است و نه وقایع شخصی. (۴۹) وابستگی کودکان و به ویژه تصورات سنتی مبنی بر اینکه والدین و سایر بزرگسالان صاحب اختیار کودکانند، کودکان در معرض خشونت قرار داده است - درست همانطور که تصورات سنتی مبنی بر اینکه مردان صاحب اختیار زنانند، موجب اعمال خشونت علیه زنان شده است. سپردن کودکان به مدارس (شبه روزی) و مؤسسات مراقبت از کودکان که ظاهراً برای ((مراقبت)) از آنان صورت می گرفته است، غالباً با روش های انضباطی مقتدرانه و سرکوبگری همراه بوده است که در آنها خشونت رایج بوده و خشونت بزرگسالان علیه کودکان می توانسته موجب اعمال خشونت کودکان علیه دیگر و تشدید خشونت شود.

علاوه بر این، اعتقادات سنتی مبنی بر اینکه کودکان شاهد های معتبری نیستند، به کرات، موجب شده است که شکایت های کودکان و تقاضاهای آنان برای کمک را باور نکنند و یا از آنها چشم پوشی کنند. این اعتقادات هنوز هم سد راه مداخلات رسمی و پیگردهای قانونی است، به دنبال افزایش شناخت جامعه از خشونت علیه زنان و واکنش در برابر آن، میزان خشونت هایی که علیه کودکان اعمال می شود نیز بیش از پیش مورد شناسایی قرار گرفته و مبارزه فعال و مستمر با آن افزایش می یابد. برای تمدن بشری بسیار اسف انگیز است که افراد کوچکتر و آسیب پذیرتر آن، بیش از همه باید در انتظار بمانند تا حق سلامت جسم و شخصیت آنان از لحاظ اجتماعی و قانونی و به طور پایدار به رسمیت شناخته شود و در برابر بروز خشونت بین افراد از آنها محافظت شود. تا کنون فقط در چند کشور، قوانینی تدوین شده است تا کودکان را همچون بزرگسالان از تعرضات جسمی مصون دارد. در بسیاری از کشورها تنبیهات خشونت آمیز، از جمله به کار گرفتن وسائلی برای زدن کودک، هنوز متداول و از نظر قانونی مجاز است. با این وجود، اکنون درک فزاینده ای در حال شکل گرفتن است دائر بر اینکه حمایت از حقوق کودکان مبنی به حفاظت آنان از خشونت

های جسمی و ((روزمره)) در خانه ها مؤسسات ،در بهبود موقعیت آنان به همان اندازه حیاتی است در حمایت از حق مشابه زنان (محافظت از خشونت های جسمی روزمره در خانه و جامعه) در ارتقای موقعیت زنان مهم است.پیشتر این روند کمیته حقوق کودک است که هیاتی بین المللی برای نظارت برپیمان نامه است و دائماً علیه قوانینی که هرگونه تنبیه بدنی را مجاز می شمردند مبارزه کرده اصلاحات قانونی و برنامه های آموزشی روشنی را توصیه می کند.

در کنار شناسایی بیشتر میزان رواج خشونت علیه کودکان، در نتیجه پژوهش های انجام شده ،نسبت خطرات ناشی از خشونت علیه کودکان و ارتباط بین تجربه زود هنگام خشونت و رفتارهای خشونت آمیز و غیر اجتماعی در کودکی و پس از آن ،هشیاری روزافزونی به وجود آمده است .خشونت علیه کودکان به گونه پیچیده ای با خشونت توسط کودکان و بروز خشونت نزد بزرگسالان ارتباط دارد.رفتار خشن و بی رحمانه با کودکان ،همچون رفتار خشن و بی رحمانه با محیط زیست،نه تنها کیفیت کنونی زندگی بشر را تهدید می کند،بلکه بقای جوامع بشری درآینده را هم مورد تهدید قرار می دهد.کاهش خشونت علیه کودکان فواید بالقوه فراوانی برای دگرگونی و بهبود جوامع دارد و چنانکه کمیته ملی استرالیا برای (مبارزه علیه) خشونت گفته است:

بزرگترین شانس که برای پیشگیری از بروز خشونت در جامعه داریم پرورش کودکانی است که به کار گیری خشونت را به عنوان روشی برای حل مشکلات طرد کنند و به حق هر فرد برای رشد در محیطی امن و سالم باور داشته باشند.(۴۴)

پیمان نامه حقوق کودک و خشونت

پیمان نامه حقوق کودک که توسط مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۱۹۸۹ تصویب گردید و تا ماه اوت ۱۹۹۹ همه کشورهای جهان - بجز دو کشور- به آن پیوستند،اصول و معیارهای مشخصی را برای حمایت از کودکان در برابر خشونت ،همچنین نحوه رفتار با کودکانی که مرتکب خشونت می شوند ، فراهم می آورد.

محافظت از کودکان در برابر خشونت

دیباچه پیمان نامه تصریح می کند که کودک ، به دلیل عدم بلوغ جنسی و ذهنی ((به حمایت و مراقبت ویژه نیازمند است.)) ماده نوزدهم پیمان نامه ،دولت های پیوسته به پیمان نامه را ملزم می سازد که :

همه اقدامات قانونی ،اداری ،اجتماعی ،و آموزشی لازم را به عمل خواهند آورد تا از کودک در برابر همه شکل های خشونت جسمی و ذهنی ،صدمه یا سوء استفاده ، بی توجهی یا سهل انگاری ، بد رفتاری یا بهره کشی ، از جمله بهره کشی جنسی ، در حین مراقبت والد(یا والدین)،سرپرست (یا سرپرستان)قانونی ، یا هر شخصی که عهده دار مراقبت از کودک است ،محافظت کنند.(بند ۱)

مواد دیگری از پیمان نامه که توسط کمیته حقوق کودک تا سطح ((اصول کلی)) ارتقاء یافته اند هم با مسئله خشونت ارتباط دارند

- ماده ۲ پیمان نامه تاکید می ورزد که کلیه حقوق مندرج در آن باید بدون هیچگونه تبعیضی در دسترس تمامی کودکان باشد. بدین ترتیب اعمال خشونت نسبت به کودکان که امروزه غالباً بر اساس سنت یا فرهنگ توجیه می شوند، غیر قابل توجیه اند؛
- ماده ۳ مستلزم آن است که در کلیه اقدامات مربوط به کودکان، ملاحظه اصلی بیشترین منافع کودک باشد؛
- ماده ۶ متضمن حق هر کودک برای زندگی و وظیفه دولت ها در تضمین بقا و رشد کودک تا حد امکان است؛
- ماده ۱۲ بر حق اظهار نظر کودکان و جدی تلقی شدن این نظریات تاکید دارد. علاوه بر موارد فوق، مواد ذیل دولت ها را ملزم می سازد که :
- اقداماتی عمل آورند تا ((روش های سنتی ای که به بهداشت و سلامت کودک آسیب می رسانند)) زدوده شوند (ماده ۳-۲۴)؛
- تضمین کنند که اداره امور انضباطی مدارس ((مطابق با شان انسانی کودک و بر طبق پیمان نامه)) باشد (ماده ۲-۲۸)؛
- از کودکان در برابر سوءاستفاده های جنسی حفاظت کنند (ماده ۳۴)؛
- کودکان را در برابر آدم ربایی محافظت کرده و از خرید و فروش و قاچاق کودکان جلوگیری کنند (ماده ۳۵)؛
- از کودکان در برابر کلیه اشکال زیان بار سوءاستفاده محافظت کنند (ماده ۳۶)؛
- کودکان در برابر ((شکنجه یا دیگر اعمال یا تنبیه های بی رحمانه، غیر انسانی، تحقیر آمیز)) محافظت کنند (ماده ۳۷)؛
- از کلیه روش های ممکن برای حمایت از کودکان در برخوردهای مسلحانه استفاده نمایند (ماده ۳۸) ؛
- برای قربانیان خشونت، مراقبت های ترمیمی و توانبخشی فراهم سازند (ماده ۳۹)؛

واکنش در برابر خشونت کودکان

پیمان نامه همچنین اصول و معیارهای مشخصی را برای واکنش در قبال خشونت کودکان مقرر می نماید. ((اصول کلی)) پیمان نامه به همه جنبه های واکنش جامعه نسبت به رفتار خشونت آمیز کودکان و نوجوانان، مربوط می شوند. هیچیک از این اصول با سایر حقوق افراد مبنی بر سلامتی شخصی و جسمی در تعارض نیست. بیشترین منافع کودک باید ملاحظه اصلی و نخست باشد (ماده ۳)؛ حق کودک برای زندگی و حداکثر رشد باید مورد احترام واقع شود (ماده ۶)؛ و دیدگاه ها و نظریات کودک باید مشخص شده و جدی تلقی شود (ماده ۱۲)؛ باید از محدود ساختن آزادی کودک - خواه در نظام قضایی و خواه در نظام های ((رفاهی)) و نظام های دیگر - تنها در آخرین مرحله و در کوتاه ترین زمان مناسب، استفاده شود (ماده ۳۷). همچنین ماده ۳۷ منع مطلق مجازات مرگ برای مجرمین زیر ۱۸ سال را بیان می دارد، در حالیکه ماده ۴۰ برای ایجاد نظام دادرسی ویژه نوجوانان معیارهای مشروحی ارائه می کند (موضوع گزیده اینوچنتی، شماره ۳). چنین نظامی باید بر ارتقای حس شآن و ارزش در کودک و

تقویت احترام کودک نسبت به حقوق بشر و آزادی های اساسی سایر افراد تاکید داشته باشد، و سن کودک و مطلوبیت تشویق کودک به بازگشت به جامعه و ایفای نقشی سازنده در آن را مدنظر قرار دهد.

سه سند دیگر سازمان ملل متحد، معیارهای دقیق تری در این خصوص ارائه می کنند:

- مقررات استاندارد و حداقل سازمان ملل متحد برای اداره دادرسی ویژه نوجوانان (مقررات پکن) ۱۹۸۵؛
- رهنمودهای سازمان ملل متحد برای پیشگیری از بزهکاری نوجوانان (رهنمودهای ریاض) ۱۹۹۰؛
- مقررات سازمان ملل متحد برای حمایت از نوجوانان محروم از آزادی ۱۹۹۰؛

تاکید بر بیشترین منافع کودک و بازسازی و امنیت اجتماعی او، به جای مجازات و کیفر، حافظ منافع کوتاه مدت و بلند مدت جامعه و نیز کودکان است. شواهدی در دست نیست که نشان دهد واکنش های متکی بر مجازات در کاهش یا پیشگیری از خشونت مؤثر باشند. برعکس، شواهد موجود ثابت می کند که در بسیاری از کشورها مجازات های سخت آمیزند و زندانی کردن کودکان هم در افزایش احتمال تخلف مجدد آنان و هم در تبدیل متهمین غیر خشن به بزهکاران خشن بسیار مؤثر است. علیرغم اینگونه معیارهای بین المللی، چندین کشور، به نحوی فزاینده، سیاست هایی را برای مجازات کودکان به کار می گیرند که شامل سیاست های تنبیهی از جمله حبس و توقیف متهمین بسیار جوان و روش های سخت اردوگاهی است، در حالی که شواهد تحقیقاتی، از واکنش های متکی بر بازسازی گروهی رفتار مجرمان حمایت می کنند.

گسترش خشونت علیه کودکان

خشونت علیه کودکان تا حد زیادی به صورت یک معضل پنهان باقی مانده است. بخش مهمی از این خشونت ها در خلوت محیط خانوادگی و یا در خلوت نسبی مؤسسات و نهادهای اجتماعی صورت می گیرد. به علاوه تحقیق درباره میزان خشونت در خانواده و نهادهای اجتماعی پیشرفت بسیار ناموزونی داشته است. یک بررسی بین المللی از ادبیات و کتابشناسی خشونت در خانواده که توسط مؤسسه تحقیقات بین المللی جرم و عدالت وابسته به سازمان ملل متحد در رم صورت گرفته است نشان می دهد که حدود ۷۹ درصد از بیش از ۱۵۰۰ عنوان مربوط به سال های ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۲، در ایالات متحده آمریکا منتشر شده اند. آمار کشورهای انگلیس، استرالیا و کانادا را به این میزان اضافه می نماییم، به بیش از ۹۰ درصد موارد ثبت شده در کتابشناسی بالغ خواهد شد. خلاصه اجرایی این بررسی تاکید می ورزد که «میزان اطلاعات درباره خشونت در محیط های خانوادگی، در خارج از جهان غرب، ناچیز است».

بررسی ها و اطلاعات اخیر درخصوص کودکان و خشونت، علاوه بر اینکه نمونه های جامع و فراگیری نیستند، این نقطه ضعف را هم دارند که به طور کلی بر مصاحبه با والدین یا سرپرستاران کودک تکیه دارند و در نتیجه حتی اگر شرایط کاملاً محرمانه هم صورت گرفته باشند، باز هم احتمال دارد که میزان وسطح خشونت منعکس شده در آنها کمتر از واقعیت باشد. در سایر مطالعات، با بزرگسالان درمورد تجربه های دوران کودکی آنان مصاحبه محرمانه پژوهشگران با کودکان درخصوص تجربه هایشان، هنوز چندان متعارف و معمول نیست.

در سال ۱۹۹۰ در کشور فنلاند اقدام گسترده و کم نظیری در خصوص سوال مستقیم از کودکان صورت گرفت تا تجربه هایشان را در مورد خشونت بیان کنند؛ از حدود ۹۰۰۰ دانش آموز ۱۵ ساله دعوت شد که پرسشنامه مفصلی را بدون اعلام نام خود تکمیل کنند و از جمله تجربیات خود را در ارتباط با خشونت و نیز مسائل جنسی بیان کنند. (۵۹)(۶۰) یک بررسی عمیق ملی در ایالات متحده که در سال ۱۹۹۴ بر روی گروه نمونه وسیعی از کودکان ۱۰ تا ۱۶ ساله و از طریق تلفن انجام شد، نشان داد که تعداد قربانیان خشونت بسیار بیشتر از آمار رسمی دولتی است. نرخ تجاوز به عنف ۵ برابر ارقام رسمی بود، یک چهارم از کودکان گزارش دادند که در سال گذشته به طور کامل قربانی خشونت شده اند (به استثنای تنبیه بدنی) و بیش از یک سوم یا به طور کامل قربانی خشونت شده بودند یا اقداماتی علیه آنها انجام شده است. اندکی کمتر از یک سوم قربانیان گفتند که در سال پیش در نتیجه حملات دچار آسیب های جسمی گشته اند. (۱۱) نگرش جامع نسبت به تمامی شکل های خشونت علیه کودکان هنوز نادر است. دو مسافر برجسته آمریکایی که مسئولیت انجام این تحقیق را بعهده داشتند، اظهار می دارند:

هرچند که در سالهای اخیر افکار عمومی و وسایل ارتباط جمعی نسبت به کودکان قربانی بسیار بیشتر بوده است اما موارد توجه، مجزای از هم و بسیار پراکنده بوده است، متخصصین امر به شکل های ویژه ای نظیر کودک آزاری، آزار جنسی، اعمال خشونت با اسلحه و آدم ربایی، غالباً "به عنوان موضوعاتی مجزا، توجه کرده اند این پراکندگی مانع از ایجاد یک درک و استنباط فراگیر. نسبت به موضوع قربانی شدن کودکان، بوده است. چنین استنباط جامعی میز اخشونت قرار دارند. میزان واقعی قربانیان خشونت را نمایان خواهد کرد. مثلاً یک واقعیت که به دلیل پراکندگی موضوعات کاملاً احساس نشده، آن است که کودکان خیلی بیشتر از بزرگسالان در معرض خشونت قرار دارند. (۱۲)

این دو مؤلف برای ارائه یک تحلیل جامع از شکل های مختلفی که کودکان آمریکایی راقربانی خشونت می کنند، سه گروه عمده را تبیین نموده اند:

- «استثایی» نظیر قتل گروه بسیار کوچکی از کودکان را شامل می شود:
- «حاد یا بحرانی» همچون آزار جسمی که گروه بزرگتری از کودکان را دربر می گیرد، اما همچنان در اقلیت قرار دارد :
- «همه گیر» مثل تنبیه بدنی و حمله از سوی خواهران و برادران که اکثر کودکان را دربر می گیرد.

آنها موفق شدند که آمار ملی را در مورد کودکانی که در ایالت متحده قربانی خشونت شده اند، فراهم آورند که به ترتیب وقوع در هر گروه مرتب شده اند (از ۳٪ نفر در هر هزار کودک که قربانی جنایت شده اند تا ۸۰۰ نفر در هر هزار کودک که قربانی حمله خواهران و برادران بوده اند). این اطلاعات از راه های مختلفی نظیر پرونده های مؤسسات، گزارش های شخصی و نیز گزارش های مراقبان گرفته تا تحقیقات در سطح ملی، به دست آمده اند. تلاش های مشابهی نیز در انگلستان به عمل آمده است تا تصویر هرچه کاملتری از میزان **اعمال خشونت علیه کودکان** ترسیم گردد. کوشش هایی که برای ایجاد یک نگرش جامع نسبت به قربانی خشونت شدن کودکان صورت می گیرد و بر آن است که هریک از شکل های خشونت علیه کودکان را بخشی از یک مجموعه پیوسته بداند، به خوبی در چارچوب پیمان نامه حقوق کودک می گنجد. امید است که این شیوه نگرش به موضوع، در زمینه اجرای پیمان نامه، به طور همگانی گسترش یابد. در حال حاضر با توجه به اطلاعات موجود در اکثر کشورهای پاسخ به این سؤال غیرممکن است که آیا میزان قربانی شدن خشونت آمیز کودکان در حال افزایش است و یا اینکه حساسیت بیشتر منجر به مشاهده گسترده این پدیده

شده است. تنها یک نمونه نشان مد دهد که در سال ۱۹۹۴ در آفریقای جنوبی ۲۲۹۱۱ مورد کودک آزاری به « واحد حمایت از کودکان پلیس آفریقای جنوبی » گزارش شده است که نسبت به سال ۱۹۹۳،۳۶ درصد افزایش نشان می دهد. از سال ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۴، تجاوز به کودکان از ۴۷۳۶ مورد به ۷۵۵۹ مورد (یعنی ۶۲/۷ درصد) افزایش یافته است. اما یک گزارش دولت آفریقای جنوبی که توسط وزارت رفاه تنظیم شده است، تاکید می کند که به علت فقدان یک پایگاه اطلاعات مرکزی، یا نظامی هماهنگ برای گزارش دهی، میزان واقعی کودک آزاری در آفریقای جنوبی نا مشخص است. (۵۷)

در تعدادی از کشورها، آماری متمرکز از سوی سازمان های انتظامی گردآوری می شود که در آن موارد تحقیق، پیگرد و محکومیت بزرگسالان به جرم تخلفات خشونت آمیز علیه کودکان، قید شده است. این تخلفات شامل حمله، بی رحمی (چنانچه به عنوان یک تخلف مجزا محسوب می گردد)، تجاوز به عنف و سایر تخلفات جنسی است. اطلاعات ما از کشورهایی که در آنها تحقیقات به صورت مصاحبه های ژرف نگر صورت می گیرد، حاکی از این است که این ارقام تنها بخش بسیار کوچکی از جرائم واقعی را نشان می دهد. از آنجا که حساسیت نسبت به خشونت علیه کودکان در حال افزایش است، بسیاری از کشورها نظام هایی برای حمایت از کودک ابداع می کنند یا توسعه می بخشند که طبق آنها لازم است موارد بروز خشونت علیه کودکان یا مشکوک به آن گزارش شوند و رسماً مورد تحقیق قرار گیرند. این موارد نیز به تهیه و جمع آوری آمار کمک می کنند، اما باز هم با تعیین میزان واقعی خشونت ها ارتباط روشنی برقرار نمی کنند.

سازمان جهانی بهداشت در گزارشی، ضمن دعوت به ثبت و گزارش هماهنگ تر وارد خشونت علیه کودکان، اظهار داشت: « تعاریف متضاد از بی توجهی نسبت به کودک و کودک آزاری، مشکلات تشخیص موارد کودک آزاری و بی توجهی، و تفاوت های نحوه گزارش دهی، مقایسه میان ملل را عملاً غیرممکن می کند. » (۴) سازمان جهانی بهداشت درصدد است به توافقی درباره تعریف خشونت جسمی علیه کودکان دست یابد و مقاوله نامه ای را در این ارتباط تهیه کند. این سازمان امیدوار است که چنین مقاوله نامه ای، به ویژه جهت گردآوری آمار مقایسه ای، توسط کارکنان بهداشتی مورد استفاده واقع شود. (۴۲)

خشونت علیه کودکان در خانواده

کودکان در جایی که باید امن ترین مکان برای آنها باشد، یعنی در میان خانواده هایشان، بیش از هر جای دیگری، در معرض خطر هستند. در حقیقت احتمال اینکه کودکان توسط اعضای خانواده خود به قتل برسند، مورد حمله جسمی قرار گیرند، مورد آزار جنسی واقع شوند، و یا محکوم به تحمل عادات سنتی زبانباز و خشونت ذهنی گردند، بسیار بیشتر از آن است که بیگانگان کودکان را در معرض این خطرات قرار دهند. شکل های مختلف خشونت در بیرون از محیط خانه، نظیر برخوردهای مسلحانه و میزان بالای خشونت اجتماعی، فشار فوق العاده ای بر خانواده ها تحمیل می کند و بدین سان بر بروز خشونت در درون خانواده نیز تأثیر می گذارد.

خشونت در خانواده

«هرچند که ممکن است خشونت در خانواده به شکل های مختلفی بروز پیدا کند و میزان آگاهی مردم و عکس العمل آنان نسبت به این پدیده متفاوت باشد، اهمیت و گستردگی این معضل موضوعی جهانی است. خانواده مهم ترین و مقدم ترین نهاد اجتماعی برای تربیت، آموزش و حمایت از اعضای خود است، اما همین نهاد غالباً می تواند عرصه ای برای بروز خشونت و درد و رنج باشد. در سراسر کره خاکی، کودکان و زنان به قتل می رسند، دچار نقص عضو می شوند، مورد حمله و ضرب و شتم قرار می گیرند و فروخته می شوند. میلیون ها انسان در محدوده «دیوارهای» خانواده خود رنج می کشند و ضعیف ترین اعضای هر یک از این جوامع از همه آسیب پذیرند: اقلیت های قومی، پناهندگان، خانواده های مهاجر، کودکان و زنان محصور در منازعات مسلحانه. این افراد بیش از همه در معرض خطرند در حالیکه از کمترین حمایت حقوقی، اقتصادی و اجتماعی برخوردارند. دانش و اطلاعات مربوط به این موضوع صرفاً نمایانگر قله یک کوه یخی است، قله ای که هنوز بسیاری آن را قلمروی خصوصی تلقی می کنند.» (۳۱)

نوزاد کشی و قتل کودکان

تجزیه و تحلیلی از ۲۸۵ قتل انجام شده در انگلستان در سالهای ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۱ که قربانیان آن افراد زیر ۱۸ سال بودند، نشان می دهد که تنها ۱۳ درصد از این قتل ها توسط افراد غریبه صورت گرفته و ۶۰ درصد از جنایات توسط والدین کودکان انجام شده است. (۵۶) نتایج مشابهی در ایالات متحده آمریکا و استرالیا گزارش شده است. آمار کشورهایی که آمار جنایت براساس سن قربانیان تفکیک می شود، نوزادان و کودکان خردسال گروه سنی ای را تشکیل می دهند که بیش از همه در معرض خطر هستند. در انگلستان کودکان زیر یک سال ۴ برابر بیشتر از هر گروه سنی دیگری احتمال دارد که قربانی جنایت شوند. و تقریباً تمام قربانیان توسط والدینشان کشته می شوند.

اگرچه کشتن نوزادان قتل عمد کودکان محسوب می شود، اما در بسیاری از نظام های حقوقی این امر جرمی کمتر از جنایت تعریف می شود. توجیه عقلی این موضوع، حمایت ویژه مادرانی است که در نتیجه زایمان از ضربه های روحی و روانی رنج می کشند. به هر صورت، در بسیاری از همین نظام های حقوقی، حمایت های عام و شناخته شده ای تحت عنوان «کاهش مسؤلیت»، برای اتهام قتل وجود دارد که در موارد خاص به کار گرفته می شود. بنابراین بنظر می رسد که موقعیت خاص این نوع جنایت، ریشه در این نگرش دارد که زندگی نوزاد کم ارزش تر از زندگی یک فرد بزرگسال است. برخلاف تصور معمول مبنی بر اینکه کشتی نوزاد یک پدیده

شرقی است و نه یک مشکل غربی، لوید دوماز در کتاب «تاریخ:طفولیت» خود، نشان می دهد که کشتن نوزادان مشروع و نامشروع یک قاعده معمول در عهد عتیق بود، و قتل کودکان مشروع تنها در دوران قرون وسطی به آهستگی کاهش یافت و قتل کودکان نامشروع تا قرن نوزدهم همچنان ادامه پیدا خواهد کرد.....هرچند در سال ۱۷۴۱ توماس کورام برای بچه های سرراهی بیمارستانی تأسیس کرد، زیرا نمی توانست ببیند که نوزادان در گنداب روها می میرند و در محل تلنبار کردن تاپاله ها می پوسند، اما تا سال ۱۸۹۰ مشاهده نوزادان مرده در خیابان لندن امری متداول بود.....(۵۰)

از کشتن نوزادان به عنوان یک شیوه شقاوت آمیز در تنظیم خانواده نیز استفاده شده است. در جوامعی که فرزندان پسر هنوز از لحاظ اجتماعی ارزشمندتر از دختران محسوب می شوند، نابرابری در جمعیت زن و مرد حاکی از آن است که این پدیده همچنان ادامه دارد. اقدامات حکومت برای محدود ساختن رشد جمعیت که اغلب بدون فراهم کردن منابع کافی و نیز آموزش مؤثر تنظیم خانواده صورت می گیرد، انگیزه دیگری برای کشتن نوزادان ایجاد می کند. دیدگاه های سنتی در برخی جوامع که کودکان معلول یا کودکانی را که در روزهای معینی به دنیا می آیند مایه ننگ خانواده می دانند هم مشوق نوزادکشی است. در جوامعی که قویاً مخالف تولد کودکان از مادران بسیار جوان و یا زوج های ازدواج نکرده و یا نامتناسب هستند نیز فشارهای مشابهی در این جهت وجود دارد.

مباحث اصلی

در بسیاری از کشورها فقدان شیوه های کامل و کارآمد برای ثبت تمامی موارد تولد، نوزادان را با خطر مرگ، ربوده شدن، فروخته شدن و دا ناپدید گشتن مواجه می سازد: فرآیند ثبت تولد و اعطای موقعیت رسمی به کودکی که تازه متولد شده، روند ضروری و اساسی برای محافظت از نوزاد است. در هر مطالعه ای که نمونه های مرگ تصادفی کودکان مورد پژوهش قرار گرفته اند، ثابت شده است که غیر از مواردی که رسماً تحت عنوان جنایت ثبت شده اند، مرگ های دیگری هم رخ داده اند که خشونت در آنها نقش مهمی ایفا کرده است. بازتابی از حساسیت فزاینده جوامع نسبت به خشونت علیه کودکان را می توان در ابداع و توسعه رویه ها و قوانین ویژه ای مشاهده کرد که به منظور بررسی دقیق موارد مرگ کودکان و ارائه گزارش رسمی در این خصوص پدید آمده و هدف اصلی آنها پیشگیری از آن بوده است. در یک اقدام بین المللی نادر، به منظور مقایسه میزان خشونت علیه کودکان، میان کشورها و قاره ها، سازمان جهانی بهداشت آمار مرگ و میر کودکان زیر یکسال را که ناشی از جنایت و جراحت با منشأ نامعلوم بوده اند، از بیش از ۶۰ کشور جهان، گردآوری کرده است.

اما همانطور که قبلاً ذکر شد، سازمان جهانی بهداشت و سایر مفسران بر این نکته تأکید دارند که چنین مقایسه هایی، به دلیل تعاریف متفاوت و شیوه های گزارش دهی مختلف، و نیز روش های بسیار متنوع جمع آوری و تطبیق آمار قابل اطمینان نیستند. (۴) نرخ های کلی جنایت از کشوری به کشور دیگر به طور قابل ملاحظه ای متفاوتند، و در مورد میزان خشونت جدی در جوامع مختلف

مقیاسی به دست می دهند. مثلاً نرخ جنایت و قتل برای گروه سنی معینی از جمعیت جوان، نشان می دهد که این گروه سنی در ایالت متحده بیش از همه کشورهای جهان، به استثنای باهاما و اکوادور، قربانی جنایت می شوند. آمار سازمان جهانی بهداشت نشان می دهد که میزان مرگ سالانه ناشی از قتل افراد ۱۵ تا ۲۴ ساله در ایالت متحده ۱۵/۳ نفر در هر صد هزار نفر بوده است. این رقم در انگلستان و هلند ۰/۹، در فرانسه ۰/۷، و در ژاپن ۰/۴ نفر در هر صد هزار نفر بوده است. در واقع ایالت متحده، در مقایسه با تمامی کشورهای صنعتی دیگر، دارای میزان جنایات خشونت آمیز بسیار بیشتری است و هرچه نوع جرم و جنایت جدی تر می شود، تفاوت نرخ موجود بین ایالت متحده و سایر کشورهای پیشرفته بیشتر می شود. (۳۴)

تحقیق در مورد مرگ کودکان: واکنشی برای پیشگیری

در تعدادی از ایالت های متحد آمریکا قوانین، الزاماتی را برای تحقیقات رسمی در خصوص کلیه مرگ های غیر طبیعی کودکان تعیین کرده اند. مثلاً قانون پیشگیری از مرگ و میر کودکان در ایالت کارولینای جنوبی، «اقدام به ایجاد» بخش مرگ و میر کودکان» در درون «واحد اجرای قوانین دولتی» و نیز «کمیته مشورتی چند جانبه دولتی در خصوص مرگ و میر کودکان» می کند. این قانون چنین اعلام می نماید. خط مشی این ایالت آن است که:

- هر کودک مستحق زندگی در امنیت و سلامت و ادامه بقا تا مرحله بزرگسالی است؛
- واکنش در برابر مرگ کودک یک مسئولیت دولتی و اجتماعی است،
- هنگامی که کودک می میرد، عکس العمل جامعه و دولت به این مرگ باید شامل تعیین دقیق و کامل علت مرگ، ارائه خدمات با اعضا باقیمانده خانواده و اتخاذ و اجرای تدابیری برای پیشگیری از مرگ های آینده به دلایل مشابه باشد.

این قانون، مأموران بهداشتی و بازرسان پزشکی را موظف می سازد تا در صورت مرگ یک کودک به دلیل خشونت، عدم حضور پزشک، یا هر رفتار غیر معمول و مشکوک، و نیز هنگامی که یک مرگ غیرمنتظره یا مبهم رخ می دهد، ظرف ۲۴ ساعت بخش مرگ و میر کودکان را مطلع نمایند. نتایج این تحقیق به کمیته مشورتی گزارش می شود که هدف آن ارائه توصیه هایی به منظور کاهش تعداد مرگ های قابل پیشگیری می باشد.

.....

حمله جسمی

تقریباً درسراسرجهان، تنبیه بدنی کودکان وحتى کتک زدن آنها به کمر بند و چوب که منجر به جراحت جدی می شود، هنوز هم به عنوان یک روش انضباطی در خانواده رایج بوده و قانون هم آن را حمایت می کند. درحقیقت تنبیه بدنی کودکان تنها شکل خشونت میان افراد است که قانوناً مجاز شمرده می شود، درحالیکه حتی حملات جسمی کم اهمیت به بزرگسالان و سایر کودکان، با کودکان مصاحبه شده است، آنان گزارش داده اند که بسیار بیشتر از بزرگسالان قربانی خشونت شده اند. این وضعیت در تضاد کامل با اصول مندرج در پیمان نامه حقوق کودک است که در مقدمه خود اظهار می دارد که کودک، به دلیل عدم بلوغ جسمی و روحی خود نیازمند «محافظت و توجه ویژه» است،

تحقیقات انجام شده در کشورهای از تمام قاره ها، طبق گزارش سازمان های «رادبارن» و «چ-چ-ح-ز-چ-خ-ر-د-ث-ب-آ-پ-تئ» سطوح بالایی از تنبیه خشونت بار را در محیط خانه نشان داده است. (۳۳) یک بررسی به سال ۱۹۸۷ در «بارباوس» نشان داده است که ۷۰ درصد پاسخ دهندگان تنبیه بدنی والدین را «به طور کلی تأیید» می کردند که ۷۶ درصد از آنان موافق زدن کودکان با کمر بند یا تسمه بودند. در سال ۱۹۹۱، پژوهشی میان دانشجویان دانشگاه در هند ثبت کرد که ۹۱ درصد مردان و ۸۶ درصد زنان در دوران کودکی تنبیه بدنی شده بودند. بررسی دیگری در سال ۱۹۹۲ در رومانی نشان داد که ۸۴ درصد از یک گروه نمونه از والدین، ضربه زدن با دست به کفل کودکان را یک شیوه معمول تربیتی دانسته و ۹۶ درصد از آنان این عمل را تحقیرآمیز نمی پنداشتند. یک تحقیق دولتی در انگلستان که نتایج آن در ۱۹۹۵ منتشر شد، نشان داد که از هر ۶ کودک تقریباً یک نفر تنبیه «شدید» بدنی را تجربه کرده بودند و اکثریت عظیم آنان (۹۱ درصد) کتک خورده بودند، که ۷۷ درصد از این موارد در طول یک سال قبل اتفاق افتاده بود. در سال ۱۹۸۵ یک تحقیق دیگر در ایالت متحده آمریکا و بین ۲۲۳۲ خانواده نشان داد که ۸۹ درصد از والدین فرزندان ۳ ساله خود را در عرض ۳ سال گذشته زده بودند و در حدود یک سوم کودکان ۱۵ تا ۱۷ ساله مورد اصابت ضربه واقع شده بودند.

یک عضو کمیته حقوق کودک در بیانیه پایانی «مباحثه عمومی درباره کودک و خانواده» که توسط آن کمیته و به مناسبت سال جهانی اکتبر ۱۹۹۴، برگزار شده بود اظهار داشت:

در مورد تنبیه بدنی، کشورهای معدودی دارای قوانین روشن و صریحی هستند. دولت های مشخصی سعی کرده اند که میان اصلاح کودک و خشونت بیش از حد تفکیک قائل شوند، اما در واقع مرز بین این دو مصنوعی است. گذر از یک مرحله به مرحله دیگر بسیار آسان است. همچنین این امر به اصول مربوط می شود. اگر بپذیریم که زدن یک بزرگسال قابل قبول نیست چرا باید در مورد یک کودک مجاز باشد. یکی از تأثیرات پیمان نامه این است که توجه ما را به تضادهای موجود در دیدگاه ها و فرهنگ خود جلب می کند. (۱۶)

کمیته حقوق کودکان بیان داشته است که پیمان نامه خواستار بررسی مجدد قوانین است تا اطمینان حاصل شود که هیچ سطحی از خشونت نسبت به کودکان اغماض قرار نمی گیرد. کمیته در گزارش رسمی هفتمین نشست خود در نوامبر ۱۹۹۴ بیان داشت: کمیته در چهارچوب تعهد خود نسبت به حق، کودک در خصوص سلامت جسمی توجه ویژه ای مبذول داشته است. کمیته تأکید نموده است که تنبیه بدنی کودکان مغایر با پیمان نامه حقوق کودک بوده و اغلب پیشنهاد کرده است که قوانین موجود مورد بازنگری قرار گیرند و همچنین میزان رشد و آگاهی و برنامه های آموزشی ارتقا یابند تا بدین ترتیب از آزار کودکان و تنبیه بدنی آنان جلوگیری شود. این گزارش در ادامه توجه می دهد که نهادهای دیگری هم در سازمان ملل، در نگرانی های کمیته سهیم بوده اند. برای مثال، کمیسیون جلوگیری از جنایت و دادرسی جنایی در آوریل ۱۹۹۴ قطعنامه ای را پذیرفت که به طور خاص بر اهمیت ماده

۱۹ پیمان نامه تأکید داشت، واز تمامی دولت ها دعوت به عمل آورد که به منظور از میان بردن خشونت علیه کودکان تمامی اقدامات ممکن را انطباق با پیمان نامه میزول دارند.(۶۲)

کمیسیون اروپایی حقوق بشر در سال ۱۹۹۶ درخواست یک پسر ۱۲ ساله و پدر طبیعی او را قابل قبول دانست. این پسر مکرراً توسط ناپدری خود با چوب کتک خورده بود، اما تعقیب قانونی این موضوع با شکست مواجه شده بود. این درخواست که احتمال دارد توسط دادگاه اروپایی حقوق بشر مورد بررسی قرار گیرد، مدعی بود که قوانین داخلی، درمغایرت با ماده ۳ پیمان نامه اروپایی و نیز سایر موارد، موفق به حمایت از پسر بچه در برابر رفتار یا تنبیه غیرانسانی و توهین آمیز نشده است.

.....

قوانینی که سطوح قرار دادی خشونت قانونی علیه کودکان را معین می کنند.

در بسیاری از کشورها، قوانین جنایی یا مدنی (خانواده) یا هردوی آنها، حق والدین و سایر سرپرستاران را برای استفاده ارشکل های خشونت آمیز تنبیه به گونه ای خاص تأیید می کنند؛ این قوانین اغلب تصریح دارند که چنین تنبیهی باید «معقول» و «متعادل» باشد و بدین ترتیب تصمیم درخصوص تعیین میزان «معقول» خشونت را برعهده بزرگسالان، فعالان حمایت از کودک و سرانجام دادگاه ها می گذارد. کمیته حقوق کودک این گونه قوانین را برای انتقاد ویژه از آنها مدنظر قرار داده است. برای مثال هنگامی که کمیته گزارش مقدماتی اسپانیا را بررسی می کرد، اظهار نگرانی نمود که «فحواى ماده ۱۵۴ قانون مدنى اسپانیا که مقرر می دارد والدین می توانند فرزندان خود را به طور معقول و معتدل تنبیه کنند ممکن است به عنوان مجوز برای اقدامات مغایر با ماده ۱۹ پیمان نامه تفسیر گردد». (۶۳)

همچنین در گزارش رسمی مربوط به بررسی گزارش مقدماتی انگلستان توسط کمیته، نظر معاون رئیس کمیته چنین آمده است: تجربه کمیته نشان می دهد که هرگاه قوانین داخلی میزانی «معقول» از تنبیه بدنی را مجاز شمرده اند، مشکلاتی بروز کرده است. درمقایسه هیچکس براین باور نیست که مرد می تواند درحدی «معقول» زن خود را بزند. نتیجه می گیریم که این وضعیت در انگلستان نشانه ای از بقایای دیدگاه منسوخى است که کودکان را جزئی از اموال والدین می داند. در کشورهای اسکاندیناوی و اتریش وجود قوانینی محکمتر باعث شده که نسبت به انگلستان، موارد کمتری به دادگاه کشیده شود و نه بیشتر. بنابراین بهتر است که از نظریه میزان مجاز تنبیه بدنی (کلاً) صرف نظر شود. (۶۵)

کمیته در موارد متعدد رسماً توصیه کرده است که دولت ها تنبیه خشونت بار را در هر شکل آن و در خانواده و در نهادهای، صراحتاً منع کنند و پیشنهاد کرده است که برای تشویق شکل های مثبت انضباط، از برنامه های آموزشی استفاده شود. در جمع بندی این وضعیت یکی از اعضای کمیته به این نتیجه نائل آمده است که «جنبه های معدودی از قوانین مربوط به کودکان برای خود آنان حائز اهمیت فراوان بوده است». در کشورهایی که قانون به طور آشکار تنبیه بدنی را ممنوع ساخته است کودکان (هم) پیامی دریافت کرده اند. این ممنوعیت باعث ارسال سیل شکایات به دادگاه نشده بلکه در خدمت آموزش والدین بوده است. (۶۴)

قوانینی که تمام شکل های خشونت علیه کودکان را ممنوع می کنند

گرچه در پرتو پیمان نامه و توصیه های کمیته حقوق کودک، کشورهای تمامی قاره ها به طور فزاینده ای اصلاحات را مورد توجه قرار می دهند، تاکنون تنها معدودی از کشورها کلیه شکل های خشونت بار و توهین آمیز علیه کودکان را ممنوع کرده اند. (سوئد، فنلاند، دانمارک، نروژ، اتریش و قبرس). در سال ۱۹۹۶ دادگاه عالی ایتالیا در رم، هرگونه استفاده از خشونت برای اهداف آموزشی راه در خانواده یا مدارس، غیرقانونی اعلام کرد؛ این دادگاه تصدیق نمود که «اصطلاح اصلاح کودکان بیانگر دیدگاهی درخصوص تربیت کودک است که هم به لحاظ فرهنگی بی مورد است و هم از نظر تاریخی منسوخ شده و درواقع لازم است که مجدداً تعریف شود و ضمن القاء هرگونه دلالت ضمنی بر سلسله مراتب یا طرفداری از تمرکز قدرت در دست یک نفر، به معرفی ایده های اجتماعی و تعهدات مسئولانه ای بپردازد که بتواند موقعیت مربی در قبال شاگرد مشخص سازد».

اجرای حمایت یکسان از کودکان در سوئد

کودکان مستحق مراقبت، امنیت و تربیت شایسته اند. باید با کودکان با رعایت احترام نسبت به شخصیت و فردیت آنان رفتار کرد و نمی توان آنان را مورد تنبیه بدنی یا هر شکل دیگری از رفتار توهین آمیز قرار داد. (قانون مراقبت و سرپرستی سوئد) در سال ۱۹۷۹ سوئد اولین کشوری بود که تمامی شکل های بدنی علیه کودکان را ممنوع کرد. هدف مؤکد قانون جدید آموزش بود- نه تعقیب قانونی تعداد بیشتری از والدین یا افزایش مداخله دولت در زندگی خانوادگی، بلکه تغییر نگرش ها و عملکردها برای غیرقابل قبول ساختن تنبیه بدنی کودکان. چنانچه که در بزرگسالان معمول است. همانطور که یک مقام وزارت دادگستری سوئد هنگام تشریح این قانون جدید گفت، « قانونگذار از طریق تحریم تنبیه بدنی می خواست نشان دهد که یک کودک شخصی مستقل است که می تواند برای خود احترامی کامل داشته باشد و بنابراین باید در برابر خشونت و تنبیه بدنی از همان محافظتی برخوردار باشد که ما بزرگسالان آن را برای خودمان کاملاً طبیعی می دانیم». در یک مورد مهم در سال ۱۹۸۲، کمیسیون اروپایی حقوق بشر درخواست گروهی از والدین سوئدی را که مدعی بودند تحریم سال ۱۹۷۹ ناقص حق آنان مبنی بر احترام به زندگی خانوادگی است رد کرد. کمیسیون نتیجه گرفت که «آثار عملی این قانون تشویق یک بازنگری مثبت درخصوص تنبیه کودکان توسط والدینشان و نیز پرهیز از آزار و سوءاستفاده و پیشگیری از افراط هایی است که به درستی می توان از آنها به عنوان خشونت علیه کودکان نام برد». (۵۳) در ۱۶ سال گذشته در کشور سوئد تنها یک مورد تعقیب قانونی برای آنچه ممکن است در کشورهای دیگر یک تنبیه جسمی معمول قلمداد گردد، صورت گرفته است :

پدیری به خاطر نواختن ضربات بر کفل پسر یازده ساله اش محکوم به پرداخت جریمه مختصری شد. اجرای قانون مبارزه گسترده آموزشی، ارائه اطلاعات در مورد قانون جدید و هدف آن در نظام آموزشی، و تمامی شکل های جنایت و آموزش والدین، همراه بود. براساس تحقیق وزارت بهداشت و امور اجتماعی سوئد در سال ۱۹۹۴، تنها ۱۱ درصد از مردم تنبیه بدنی را تأیید می کردند، در حالیکه چند دهه قبل این رقم ۵۶ درصد شامل می شد. و فقط یک درصد از یک گروه نمونه وسیع کودکان ۱۵ ساله سوئدی اعلام کردند که با استفاده از یک وسیله به آنان ضربه زده اند. (در مقایسه با ۲۵ درصد برای کودکان گروه سنی مشابه در انگلستان و سایر کشورهایی که هنوز هم از انجام اصلاحات قانونی علیه تنبیه بدنی خودداری کرده اند). (۳۶)

آزار جنسی

آزار جنسی کودکان، همچون سایر جلوه های خشونت علیه کودکان یقیناً پدیده ای جدید نیست؛ شفافیت فزاینده این پدیده باید در تمام جوامع، به عنوان حرکتی در جهت حمایت مؤثر از کودک، مورد استقبال قرار می گیرد. به نظر می رسد اکثر موارد آزار جنسی کودکان در خانه های خود آنان و توسط خویشاوندان نزدیک آنان اتفاق می افتد، هرچند که بروز آن در خارج از محیط خانه هم بعید نیست. همچون خشونت جسمی، شناسایی خشونت جنسی نسبت به زنان بوجود می آید و در اکثر موارد مرتکبین آن مردان هستند. امروزه در بیشتر جوامع حمله یا ارتباط جنسی بدون رضایت یا دربردارنده هرگونه زور، همواره و صرف نظر از سن یا موقعیت طرفین، ممنوع است. آخرین مرحله از اینگونه اصلاحات، که هدف از آن عمدتاً غیرقانونی کردن خشونت جنسی علیه زنان بوده، این است که تجاوز به عنف در چهارچوب ازدواج جرم تلقی شود و هنوز تمام کشورهای دنیا به این مرحله پای نگذاشته اند. تعریف سوء استفاده جنسی از کودکان در بسیاری از جوامع شامل هرگونه فعالیت جنسی با شخصی است که یا راضی به این کار نباشد و یا رضایت او قانوناً معتبر نباشد. بنابراین در مواردی که یکی از طرفین به سن اعتبار رضایت نرسیده باشد، حتی اگر راضی یا خود باعث و بانی برقراری رابطه جنسی باشد، می توان طرف دیگر را به سوء استفاده جنسی محکوم کرد. همچنین طبق تعریف، هرگونه فعالیت جنسی با افراد بزرگسال و درجه اول خانواده جرم تلقی می شود. زنا با محارم، شواهد روزافزونی مبنی بر اینکه فعالیت ها می توانند به افراد در حال رشد صدمات جسمی و آسیب های روانی جدی وارد کنند، این نوع اقدامات حفاظتی را توصیه می کنند.

.....

جابجایی غیرقانونی

ربودن کودک توسط والدین یا سایرین، بدون رضایت آگاهانه او، قطعاً شکلی از خشونت علیه کودک است که اخیراً شفاف تر شده است و احتمالاً، با توجه به امکانات نوین حمل و نقل، متداول تر. در سال ۱۹۹۸ همه موارد بچه دزدی که در ایالت متحده رخ داده بود مفضلاً مورد پژوهش قرار گرفت. «مطالعات ملی رخدادهای» نشان داد که ۳۴۵ هزار مورد کودک ربایی توسط اعضای خانواده اتفاق افتاده است (یک عضو خانواده با نقض موافقت نامه حضانت، کودک را با خود برده و یا او را باز نیاورده است)؛ بین ۳۲۰۰ تا ۴۶۰۰ مورد دزدی کودکان توسط افراد خارج از خانواده صورت گرفته است (علیه ۸۷ درصد از قربانیان زور به کار رفته بود که ۷۵ درصد آن مسلحانه بوده است)؛ همچنین ۱۱۴۶۰۰ اقدام به آدم ربایی توسط افراد خارج از خانواده صورت گرفته بود. (۷۳) درک شیوع این پدیده در داخل کشورها و نیز در میان آنها منجر به ابداعات خاص در حقوق بین الملل شده است که مهم ترین آنها پیمان نامه ۱۹۸۰ لاهه در مورد جنبه های مدنی کودک ربایی بین المللی بوده است.

پیمان نامه لاهه یک سند جهانی است، در ژوئن ۱۹۹۷، ۴۳ کشور این سند را به تصویب رسانده یا به آن ملحق گردیده بودند، هرچند کشورهای خاورمیانه و خاور دور از غایبین بزرگ بودند. بطور خلاصه طبق مفاد این پیمان نامه می توان کودک کمتر از ۱۶ سال را که بطور نادرست (یعنی برخلاف قیم او) بین دو کشور متعاهد پیمان نامه های جابجا شده یا نگهداری می شود، سریعاً به

محل سکونت دائمی خود بازگرداند تا در آنجا تصمیم نهایی درباره آینده او اتخاذ شود. دادگاه می تواند در صورتی که کودک مخالف این امر باشد، یا در معرض احتمال آسیب جدی باشد، یا در محل سکونت جدید خود بیش از یک سال مقیم بوده و در نتیجه استقرار یافته باشد، با این دستور مخالفت نماید. اما وظیفه دادگاه تحقیق در مورد ماهیت مناقشه و صحت یا عدم صحت دعوی نیست. علاوه بر پیمان نامه لاهه موافقت نامه های منطقه ای گوناگونی، با اهداف مشابه، در این خصوص وجود دارد؛ نظیر پیمان نامه اعاده بین المللی خردسالان میان کشورهای آمریکایی و پیمان نامه ۱۹۸۰ شورای اروپا در مورد شناسایی و اجرای تصمیمات مربوط به حضانت کودکان، دو ماده از پیمان نامه حقوق کودک به آدم ربایی مربوط می شود: ماده ۱۱ خواستار اقداماتی برای «مبارزه با انتقال غیرقانونی کودکان و عدم بازگشت آنان از خارج» ماده ۳۵ خواستار اقداماتی برای جلوگیری از آدم ربایی، فروش، و جابجایی کودکان به هر منظور و به هر شکل است هر دوی این مواد براهمیت همکاری بین المللی در مبارزه با این اعمال تأکید می ورزند.

.....

عادات و رسوم سنتی توأم با خشونت

در بسیاری از کشورها عادات سنتی رایجی وجود دارد که دربرگیرنده درجاتی از خشونت جسمی ویا روانی نسبت به کودکان بوده و ممکن است برای سلامت کودکان زیانبار باشد، پیمان نامه صراحتاً خواستار بازنگری چنین عاداتی است. اما بازنگری عاداتی که ریشه های سنتی یا مذهبی و یا هردو آنها را دارند و ممکن است به خودی خود در ایجاد هویت فرهنگی کودکان و بزرگسالان نقشی داشته باشند، گاهی اوقات نیازمند دقت نظر بسیار است و گاه در سطح ملی از حساسیت زیادی برخوردار است. در بند ۳ از ماده ۲۴ اشاره خاصی به عادات سنتی وجود دارد و طبق آن دولت ها متعهد می شوند که «برای زدودن روش های سنتی ای که به بهداشت و سلامت کودک آسیب می رسانند همه اقدامات مؤثر را به عمل خواهند آورد.» درائنانی تهیه پیش نویس پیمان نامه عمدتاً تصمیم گرفته شد که با توجه به دامنه وسیع عادات زیانبار- از جمله ترجیح فرزند پسر، ختنه دختران، ازدواج های زودرس و پرهیز غذایی - (۷۱) عادت خاصی مشخص شود، ماده ۳-۲۴ از آن جهت دارای اهمیت است که برای اولین بار، در یک سند بین المللی الزام آور، از لغو عادات سنتی سخن به میان آمده است، و با توجه به طبیعت حساس موضوع، برخلاف آنچه پیش بینی می شد هیچ تحفظی از این ماده صورت نگرفته است. روشن است که با توجه به اتفاق آراء بین المللی موضوع بحث، از این پس نباید بر این متمرکز شود که آیا لازم است عادات سنتی فسخ شوند یا خیر، بلکه باید معطوف به آن باشد که شیوه های مناسب مبارزه با آنها کدامند. بزرگسالان اغلب می کوشند که عادات سنتی را براساس هویت فرهنگی/ مذهبی توجیه کنند(اما در تمامی مذاهب اینک چالش های معتبری در خصوص ضرورت و اخلاقی بودن اینگونه عادات وجود دارد). اما عاداتی که یکپارچگی جسمی کودکان را از بین می برند، از جمله عادات گسترده ختنه پسران، می تواند سلامتی کودک را به خطر اندازد و این خطر با انجام آنها توسط افراد غیر حرفه ای و نیز شرایط محیطی غیربهداشتی افزایش یابد. فقدان ماده بیهوشی مناسب نیز کودکان را تشدید می کند. توجیهات مبتنی بر این فرض که کودکان باید از فرهنگ و مذهب خانواده و/ یا جوامع خود تبعیت کنند، حمایت پیمان نامه از آزادی مذهبی کودکان را به چالش فرامی خواند(ماده ۱۴). اکثر این رسوم هنگامی اجرا می شود که کودک بسیار کوچک بوده و قادر به ابراز رضایت نیست. البته کودکان بالغ باید همچون بزرگسالان از این حق برخوردار باشند که مانند هر فرد دیگر جامعه،

درمورد اعمالی که شامل درجه ای از خشونت نسبت به آنها می شود- اما برای سلامتی آنها بطور جدی زیانبار نیست - رضایت آنها ضروری باشد. اما مسئولیت والدین در ارائه راهنمایی و هدایت مناسب به کودکان برای کسب حقوقشان (که به طور کلی در ماده ۵ و به طور خاص، در ارتباط با آزادی مذهب، در ماده ۱۴ آمده است) نباید ناقض مواد ۱۹ یا ماده ۳-۲۴ باشد. این مقررات، در کنار اصل عدم تبعیض در ماده ۲ و اصل بیشترین منافع کودک در ماده ۳، ابهامی ندارد. پیمان نامه به منظور حمایت از کودکان راهی را در پیش گرفته است که در سایر اسناد سازمان ملل برای حمایت از زنان در برابر عادات سنتی زیانبار انجام شده است. از جمله عاداتی که باید در پرتو پیمان نامه مورد بازنگری واقع شوند مواد زیر است:

- تمامی شکل های ختنه و قطع اندام جنسی؛
- بستن، زخمی کردن، سوزاندن، داغ زدن، خال کوبیدن؛
- مراسم تحلیفی که در آنها مثلاً کودک را به زور زیر آب نگه می دارند؛
- رفتارهای تبعیض آمیز عمومی نسبت به کودکان همراه با خشونت و یا رفتار زیانبار برای سلامتی برای مثال، تغذیه و مراقبت ویژه از فرزندان معلول و یا کودکانی که در روزهای خاصی به دنیا آمده اند.

اقداماتی که به منظور ترویج مبارزه با عادات سنتی زیانبار توسط کمیته حقوق کودک صورت گرفته شامل وضع و تصویب قوانین و آموزش است. بسیاری از کشورها اینک صراحتاً ختنه دختران را ممنوع ساخته اند. اما آشکار است که اصلاحات قانونی تنها اندکی به اهداف خود نائل خواهد آمد مگر آنکه با آموزش گسترده و ارتقاء سطح آگاهی تلفیق گردد، و رهبران مذهبی و اجتماعی اینگونه عادات را صریحاً محکوم کنند.

.....

خشونت ذهنی

کودکان به ویژه کودکان وابسته، به طور خاصی در برابر خشونت ذهنی توسط والدین و سایر افراد، آسیب پذیر هستند. طیف شکل های گوناگون خشونت ذهنی از دشنام، سرکوفت و تحقیر و توهین تا به ستوه آوردن و منزوی ساختن کودک گسترش می یابد. پیمان نامه در ماده ۱۹ خود واژه «خشونت ذهنی» را به کار می برد اما «خشونت روانی» تأثیرات خشونت را بهتر نمایان می کند. ماده ۱۹ همچنین در عبارت «همه شکل های خشونت جسمی و ذهنی» به ضرورت توجه به آثار مستقیم و غیرمستقیم خشونت خانوادگی علیه کودکان اشاره می کند. تحقیقات پیرامون خشونت درون خانگی روشن ساخته است که مشاهده یا شنیدن موارد خشونت جسمی و ذهنی میان والدین، آثار روانی بالقوه زیانباری بر روی کودکان به جا می گذارد.

روزهای جهانی ۶ ماهه اول سال

معرفی

شش ماهه اول سال

- ۱۸ فروردین (۷ آوریل) روز جهانی سلامت
- ۲۰ فروردین (۹ آوریل) روز جهانی هولو کاست
- ۲۰ فروردین (۱ می) روز جهانی کارگر
- ۱۷ اردیبهشت (۷ می) روز جهانی کودکان بی سرپرست ایدز
- ۲۵ اردیبهشت (۱۵ می) روز جهانی خانواده
- ۱۵ خرداد (۵ ژوئن) روز جهانی محیط زیست
- ۲۲ خرداد (۱۲ ژوئن) روز جهانی مبارزه با کار کودک
- ۳۰ خرداد (۲۰ ژوئن) روز جهانی پناهندگان
- ۵ تیر (۲۶ ژوئن) روز جهانی مبارزه با مواد مخدر و قاچاق
- ۷ تیر (۲۸ ژوئن) روز جهانی مبارزه با شکنجه
- ۲۰ تیر (۱۱ جولای) روز جهانی جمعیت
- ۲۷ تیر (۱۸ جولای) روز جهانی خدمت
- ۲۱ مرداد (۱۲ اگوست) روز جهانی جوانان
- ۲۸ مرداد (۱۹ اگوست) روز جهانی کمک های انسان دوستانه
- ۳۰ شهریور (۲۱ سپتامبر) روز جهانی صلح
- ۳۱ شهریور (۲۲ سپتامبر) روز جهانی گفت وگوی تمدن ها

نشانی موقت دبیر خانه و خبرنگار:

تهران- میدان قبا - خیابان شهید ناطق نوری - کوچه یاقوت

پلاک ۸ مرکز خدمات اجتماعی - طبقه اول

تلفن، فکس: ۲۲۸۹۲۱۴۱

سایت: www.koodakekar.ir

ایمیل: info@koodakekar.ir

